

شورای امنیت

متوقف کردن کشتی های عراقی را مجاز اعلام کرد

✽ سفارتخانه های خارجی در کویت ، در محاصره ارتش عراق اند

✽ صدام حسین : دیگر کشوری به نام کویت وجود ندارد

که آماده است از طریق مذاکرات راه "حل سیاسی" بحران را هموار کند. به دنبال مذاکرات ادوارد شوارندادزه و رولان دوموزرای خارجه شوروی و فرانسه در مسکو، دو طرف طی بیانیه مشترکی "نگرانی عمیق" خود را در مورد تحولات در بحران خلیج فارس مورد تاکید قرار دادند و از عراق خواستند "واقع بینی و عقل سلیم" از خود نشان دهد. شوروی و فرانسه، بغداد را فراخواندند که "از اراده جامعه بین المللی که در قطعنامه های شورای امنیت بازتاب می یابد پیروی کند". بسیاری از ناظران، قطعنامه ۶۶۵ شورای امنیت را "تاریخی" ارزیابی کردند. این قطعنامه پس از چند روز مذاکرات بقیه در صفحه ۲

به تهدیدهای تازه ای زد و گفت هر حمله به اهداف عراقی، به یک "خونریزی غیر قابل پیش بینی" خواهد انجامید. خاویر پرز دوکوئیلار دبیر کل سازمان ملل آمادگی خود را برای میانجی گری جهت کاستن از تشنج اوضاع در منطقه خلیج فارس اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری عراق، صدام حسین برای گفتگو با پرز دوکوئیلار اظهار آمادگی نمود. قطعنامه ۶۶۵ شورای امنیت که در نخستین ساعات ۲۵ اوت به تصویب رسید، به کشورهای درگیر اجازه می دهد برای اجرای تحریم های اقتصادی علیه عراق، به نیروی اسلحه نیز متوسل شوند. اما پس از صدور قطعنامه جدید نیز صدام حسین گفت "کشوری با نام کویت" دیگر وجود ندارد. وی در همین حال طی گفتگویی با روزنامه نگاران خاطر نشان کرد

ملل در مورد بحران کویت که شنبه ۲۵ اوت صادر شد و از چهار قطعنامه قبلی فراتر رفت، دست

صدام حسین رئیس جمهور عراق در واکنش نسبت به پنجمین قطعنامه شورای امنیت سازمان



مانور مشترک سربازان مصری و آمریکایی با وجود تبلیغات موثر ضد آمریکایی و ضد اسرانیلی صدام حسین ، اکثر دولت های عرب خود را در جبهه مقابل عراق قرار داده اند.

به دنبال مرگ مرعشی نجفی سه روز عزای عمومی اعلام شد

فقیه جمهوری اسلامی که بنا به تصمیم مجلس خبرگان و بدون طی سلسله مراتب آخوندی یک شبه به درجه آیت الهی نائل آمد، با تاکید بر بزرگداشت مرعشی نجفی و سمت دادن به آن می کوشد که از این واقعه برای کلاه خود نمدی بیابد. پس از مرگ خینی و انتخاب خامنه ای بعنوان رهبر جمهوری اسلامی توسط مجلس خبرگان در ابتدا کوشش هایی صورت پذیرفت که مرعشی مذهبی و رهبری سیاسی از همدیگر تفکیک شود. به همین منظور آیت الله اراکی بعنوان مرجع تقلید مورد اعتماد (خامنه ای و رفسنجانی) مورد حمایت قرار گرفت. اراکی نتوانست مقبولیت لازم را در میان معتقدان بیابد. اما خامنه ای توانست با گلبایگانی و مرعشی نجفی به نوعی همزیستی و توافق برسد.

مرعشی نجفی از "آیات عظام" و مراجع مهم تقلید شیعه در روز چهارشنبه ۷ شهریور درگذشت. جمهوری اسلامی به دنبال مرگ مرعشی سه روز عزای عمومی اعلام کرد. تشییع جنازه وی در شهر قم و با حضور سران رژیم صورت گرفت. سید علی خامنه ای رهبر و ولی

بحرانی روزهای اخیر و حضور گسترده نیروهای آمریکایی در بقیه در صفحه ۳

زلزله زدگان همچنان آواره اند کمک ها به کجای رود؟

در روزنامه ها به چاپ می رسد و آنچه که به چاپ می رسد نیز تنها بخش کوچکی است از آنچه که کمک می شود. این کمک ها به کجا می رود و وضع زلزله زدگان چگونه است؟

"طی چند روز گذشته جمعا مبلغ ۲۹ میلیون و ۸۵۹ هزار و ۷۷۰ ریال و به همراه مبلغ ۵۱۵۷ دلار آمریکا و ۳۰ پوند انگلیس جهت کمک به هموطنان زلزله زده تقدیم دفتر حضرت آیت الله خامنه ای مقام معظم رهبری شده است". (کیهان ۲۹ مرداد) این کمک ها که توسط مردم جمع آوری شده تنها مربوط به دو سه شهرستان کوچک و چند مسجد در شهر تهران است. هر چند روز یک بار خبرهایی در مورد کمک های عظیم مردم به بازماندگان فاجعه زلزله

وزیر اطلاعات: کنترل، شناسایی و دستگیری ها تشدید خواهد شد

دستگیری و بکیر و بند مسئولین آنها آغاز شد، مصاحبه های تلویزیونی سرهم بندی شد. اکنون سر جلد رژیم خبر از ادامه این سیاست و گسترش آن می دهد. در مصاحبه مطبوعاتی یاد شده، فلاحیان خبر دستگیری دو شبکه جاسوسی وابسته به آمریکا رژیم در این مورد، به جز اعلام اسامی دو تن از متهمین - به جزئیات موضوع اشاره ای نکرد. اعلام این خبر در شرایط

خودشان رابه زندان می افکنند، اما همواره روزنه باریکی نیز برای ادامه فعالیت آنان باقی می گذارند تا این فعالیت نیمه هلنی وزیر فشار چماق و تنگ رانشانه آزادی و دموکراسی در رژیم اسلامی قلمداد کنند. پس از انتشار نامه ۹۰ نفره نیز انتظار می رفت که اعمال فشار بر جریانات فوق مدتی تشدید شود و پس از آن اوضاع به روال معمول خود باز گردد. اما این بار اینطور نشد. مواضع نسبتا رادیکال طرح شده در نامه ۹۰ نفره و حمایت گسترده تقریبا تمامی اپوزیسیون از این نامه، موجبات ترس رژیم از ادامه فعالیت نهضت آزادی و جمعیت دفاع را فراهم آورد. سران رژیم از وحشت آنکه نتوانند فعالیت این جریان را کنترل کنند و بر محور این فعالیت اتحاد بزرگی از نیروهای مخالف شکل بگیرد، به سیاستی سرکوبگرانه نسبت به امضا کنندگان نامه روی آوردند. اتهام "ارتباط با خارج از کشور" به نهضت آزادی و جمعیت دفاع نشانه این سیاست تازه و برخوردی خشن تر و سرکوبگرانه تر از پیش بود. جمعیت و نهضت هر دو قیر قانونی اعلام شدند،

حجت الاسلام فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم اعلام کرد، دستگیری اعضای نهضت آزادی جمعیت دفاع از آزادی عاکمیت ملت ایران ادامه یابد یافت، وی هم چنین خبر د که کنترل و شناسایی افراد بجان مبارزه با جاسوسی شدت یابد یافت. فلاحیان که روز پنجم شهریور یک کنفرانس مطبوعاتی سخن گفت اتهامات نهضت آزادی جمعیت دفاع... را "ارتباط با رج از کشور" و "شرکت جنگ روانی علیه مسئولان جمهوری اسلامی" اعلام داشت و ت: "در حال حاضر ۲۰ نفر از ن دستگیر شده اند ولی با اراهایی که کرده اند افراد شتری نیز دستگیر خواهند دور تازه تهاجم رژیم به نعت آزادی پس از انتشار نامه ۹۰ نفره آغاز شد. تا قبل از نهادهای سرکوبگر و اوباشان ب الهی رژیم هر چند وقت بار به این جریانات حمله می دند. رهبران سرشناس آنها را رد ضرب و شتم قرار می دادند، الشان را فارت می کردند و

افشاگری به شیوه جمهوری اسلامی

دستجات حکومتی، روزنامه ها را بین خودشان تقسیم کرده اند. از ۳ روزنامه مهم، کیهان را باند محتشمی می چرخاند، اطلاعات دست طرفداران رفسنجانی است و رسالت هوادار بازاریان محترم. فعلا به تبع سیاستهای این دستجات رسالت و اطلاعات در یک جبهه اند و کیهان در جبهه مخالف. تمامی این روزنامه ها ستونهای ظاهرا طنز آمیزی دارند و حرفهایی را که نمی توانند بطور رسمی در صفحات روزنامه بگویند، در لابلای این ستونها نثار هم می کنند. کیهان "زیر ذره بین" را دارد. روزنامه قدس "کلب اسماعیل" را دارد، رسالت "دوسوسول و دو جوان جلف" را دارد و... با مطالعه مطالب این ستونها هم می توان به حق اختلافات دستجات حکومتی پی برد و هم در همین حال اخلاق بقیه در صفحه ۳

در مراسم ختم مرعشی نجفی، سخنران آن، فلسفی خامنه ای را مورد تائید قرار داد و انتخاب وی توسط مجلس خبرگان را ستود. مرعشی نجفی بهنگام مرگ بیش از ۹۰ سال سن داشت.



Süddeutsche Zeitung

در این شماره

از جنگ سرد به جنگ گرم؟ در صفحه ۳

کنگره جهانی سرطان در هامبورگ در صفحه ۸

طرح پنج عضو دائمی شورای امنیت برای کامبوج در صفحه ۸

شورای امنیت متوقف کردن کشتی های عراقی را مجاز اعلام کرد



بقیه از صفحه اول

و تبادل نظر، با سیزده رای موافق و دو رای ممتنع (کوبا و یمن) به تصویب رسید. شوروی و چین نیز که در آغاز در مورد طرح قطعنامه تردیدهایی داشتند، به آن رای موافق دادند. در قطعنامه، از دولت هایی که واحدهای نیروی دریایی خود را به منطقه بحرانی خلیج فارس فرستاده اند، خواسته شده است "از طرف شورای امنیت، به اقتضای شرایط خاص" تدابیر لازم را برای متوقف کردن کشتی های اجنبی بازرسی معموله و پی بردن به مقصد آنها به منظور کنترل رعایت تحریم اقتصادی عراق، اتخاذ کنند.

در قطعنامه ۶۶۵، شورای امنیت برای دومین بار طی تاریخ نزدیک به ۴۵ ساله اش، کاربرد نیروی نظامی برای حفظ صلح جهانی را مجاز شمرده است. نخستین بار، در سال ۱۹۵۰ در نتیجه تحریم شورای امنیت از سوی شوروی، قطعنامه مشابهی در مورد کره به تصویب رسید.

دولت آمریکا از قطعنامه ۶۶۵ استقبال کرد. مارلین فیتس واتر سخنگوی کاخ سفید به ویژه از موضعگیری میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی به عنوان "یک تحول بسیار مهم" قدردانی نمود.

شوروی قصد شرکت در اقدامات نظامی جهت اجرای محاصره اقتصادی عراق را ندارد. اما ادوارد شواردنارزه وزیر خارجه شوروی گفت قطعنامه شورای امنیت به سایر کشورها اختیار می دهد که تحریم های مصوب سازمان ملل را با توسل به قهر اجرا کنند. شواردنارزه اظهار داشت تا جایی که به شوروی مربوط است، "ما طرحی برای کاربرد قهر یا شرکت در اینگونه عملیات نداریم". به گفته وزیر خارجه شوروی، این کشور می خواهد تا وقتی سازمان ملل یک نیروی بین المللی صلح به منطقه اعزام نکرده است، از شرکت در عملیات نظامی در خلیج فارس خودداری کند.

مارگارت تاچر نخست وزیر بریتانیا انجام مذاکرات با بغداد درباره بحران خلیج فارس را به کلی منتفی دانست. موضع مشابهی نیز از جانب میشل روكار نخست وزیر فرانسه اتخاذ شد.

رهبان کشورهای هریبی یک ابتکار جدید صلح را تدارک می بینند. سخنگویان دولت عراق، قطعنامه ۶۶۵ شورای امنیت را "بی اعتبار" خواندند و هشدار دادند که این قطعنامه، بر تشنج در خلیج فارس خواهد افزود. صدام حسین آمریکا را فراخواند بدنبال یافتن یک راه حل سیاسی باشد و از اعمال قهر چشم پوشی کند. وی گفت در غیر این صورت، "ستون هایی از جنازه" ایجاد خواهد شد. در گزارشی که خیرگزاری عراق روز ۲۶ اوت منتشر کرد، آمده است که صدام حسین آماده مذاکره با خاویر پروز دوکوئیار برای حل بحران خلیج فارس است و دبیر کل سازمان ملل را بدین منظور به بغداد دعوت کرده است. روز قبل از آن، پروز دوکوئیار گفته بود که از طارق عزیز وزیر خارجه عراق برای انجام گفتگو دعوت به عمل آورده است و این امکان وجود دارد که

این مذاکرات ظرف چند روز در نیویورک یا ژنو آغاز شود.

شمار فزاینده ای از شمرندگان خارجی می گویند از عراق و کویت به اردن و ترکیه بگریزند. سوریه و ایران نیز اعلام کرده اند که مرزهایشان به روی اتباع خارجی که می خواهند از این کشورها عبور کنند، باز است.

سفر والداهیم به بغداد

کورت والداهیم رئیس جمهوری اتریش طی سفری به بغداد موفق شد موافقت دولت عراق برای خروج همه اتباع اتریش را جلب کند. والداهیم روز یکشنبه ۲۶ اوت به همراه ۹۵ شمروند اتریشی به وین بازگشت. رئیس جمهور اتریش روز ۲۵ اوت دوبار با صدام حسین و معاونش طه محی الدین مذاکره کرد. والداهیم نخستین رئیس کشور غربی بود که پس از اشغال کویت توسط عراق با صدام حسین ملاقات می کرد.

والداهیم که قبلا دبیر کل سازمان ملل بود، این اتهام را که اقدام دیپلماتیک جداگانه او به معنای شکستن همبستگی بین المللی علیه عراق است، رد کرد. وی گفت اتریش همچنان از قطعنامه های مصوب شورای امنیت در روزها و هفته های گذشته پیروی خواهد کرد. والداهیم در همین حال افزود که صدام حسین برای مذاکرات آمادگی دارد و این امکان که اتباع کشورهای دیگری نیز اجازه خروج یابند، واقعی است.

رئیس جمهوری اتریش که در سفر به عراق، آلویس موک وزیر خارجه دولت وین را نیز به همراه داشت، خاطر نشان کرد که هر چه در توان داشته است، برای آزادی شهروندان سایر کشورها انجام داده و از صدام حسین قول گرفته است که این مسئله بررسی شود. والداهیم در همین حال گفت که در این مورد قول مساعدنهایی دریافت نکرده است، و آنچه بدان دست یافته، حداکثر نتیجه ممکن بوده است.

والداهیم خواهان انجام مذاکرات با دولت عراق شد و گفت که خود در مذاکراتش در بغداد، "ایده های مختلف" برای

جلوگیری از تشدید بحران را مورد گفتگو قرار داده است. دبیر کل سابق سازمان ملل اظهار داشت: "گمان می کنم که مذاکرات به انجامش بیارزد." والداهیم وضعیت بغداد را نسبتا آرام توصیف کرد و گفت احساس نکرده است که بر عراق فضای جنگ حاکم است. والداهیم از نتیجه سفرش اظهار رضایت کرد و آزادی اتباع اتریشی را یک "بزرگسختی خوب" صدام حسین خواند. رئیس جمهوری اتریش چندین بار تاکید کرد که کشورش در آزادی اتباع خود، امتیاز متقابلی به عراق نداده است. وی گفت که انعقاد ندارد مورد استفاده تبلیغاتی صدام حسین قرار گرفته است.

برنت سکوکرافت، مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا، ملاقات میان والداهیم و صدام حسین و نیز دادن اجازه به اتباع اتریش برای خروج از عراق را تلاشی از سوی صدام حسین برای تحت الشعاع قرار دادن محکومیت جهانی اشغال کویت قلمداد کرد.

قطع برق و آب سفارتخانه ها در کویت

قطع برق و آب سفارتخانه های خارجی در کویت، سفارتخانه های بریتانیا، آمریکا، ایتالیا و اسپانیا در کویت به محاصره نیروهای عراقی درآمده اند و جریان آب و برق آنها قطع شده است. آب، برق و تلفن سفارت فرانسه نیز بدنبال سپری شدن محلت تعیین شده از سوی دولت عراق برای تعطیل سفارتخانه ها در کویت، قطع شد. جریان برق سفارت آلمان غربی نیز قطع گردید. در همین حال دولت عراق پس از انقضای مدت دو اوت لیماتوم برای تخلیه سفارتخانه ها نیز اقدامی برای تخلیه اجباری این ساختمانها نکرد.

از روز یکشنبه ۲۶ اوت، کلیه ۹۵۰ شمروند شوروی باقیمانده در عراق، این کشور را ترک می کنند. کار خارج کردن اتباع شوروی که توسط پروازهای ویژه خطوط هوایی شوروی انجام می گیرد، ادامه دارد. همچنین ۵۵ تن از بستگان پرسنل

سفارت آمریکا که در بغداد نگه داشته شده بودند اجازه یافتند از طریق ترکیه عراق را ترک کنند. دولت عراق هر کس را که به اتباع خارجی در عراق و کویت پناه دهد، تهدید به اعدام کرد. در یک بیانیه "شورای انقلاب" عراق که از رادیو بغداد خوانده شد، آمده است: "هر کس که یک شمروند خارجی را به قصد مخفی کردن او از مقامات پنهان کند، مرتکب جنایت جاسوسی می شود و به جرم این اقدام، به دار آویخته خواهد شد."

تنگ تر شدن حلقه محاصره به دور عراق

فرانسه نخستین واحدهای نیروی زمینی خود را به منطقه خلیج فارس فرستاد. ۱۶۲ نفر از یک واحد جت راز به عنوان مرئی به ابوظبی رفتند و قرار است شمار دیگری نیز به عربستان سعودی اعزام شوند. همچنین وزیر دفاع فرانسه اعلام کرد طی کویپترهای ناوکلمانسو که هم اکنون در جیبوتی در شرق آفریقا پهلو گرفته است، احتمالاً در امارات متحده عربی مستقر خواهند شد. ناوکلمانسو در این هفته هازم خلیج فارس می شود.

هنگام تهیه این گزارش، ۱۵ کشتی عراقی که در منطقه بحرانی خلیج فارس بودند، مورد مراقبت نیروی دریایی آمریکا قرار داشتند. روز یکشنبه ۲۶ اوت منابع پنتاگون وزارت دفاع ایالات متحده گفتند که این کشور امکان

تخمین هایی تنها در کویت ۵۰ هزار نفر نیروی نظامی و هزار تا تک مستقر کرده است. ۵۰۰ تا تک دیگر نیز در داخل خاک عراق مستقرند. شمار نیروها آمریکایی تاکنون به بیش از ۵۰ هزار نفر بالغ شده است که خودروهای سبک استفاد می کنند. عربستان سعودی ۵۰ تا تک دارد.

به نظر کارشناسان آمریکایی، این نیرو برای جلوگیری پیشروی عراق به داخل خاک عربستان کافی است زیرا آمریکا دارای موشک های ضد تا تک هلی کوپترهای ضد تا تک است. ارتش آمریکا برای یک حمله گسترده تنها زمانی نیروی کاذب در اختیار خواهد داشت: سلاح های سنگین آن به منطقه برسد. واحدهای تا تک ارتش آمریکا به عربستان سعودی اعزام شده اند، اما احتمالاً هفته ها به طول خواهد کشید تا آمریکایی ها به تکی قدرت آتش برای وا آوردن ضربه مرگبار به عراق عربستان گردآورند.

افزایش تلاشهای دیپلماتیک

هفته گذشته همصدا عبدالمجید وزیر خارجه مصر سفری به مسکو با شواردنارزه همپای شوروی خود اوضاع خلیج فارس را مورد گفتگو قرار داد. عبدالمجید همچنین با گارباچف رئیس جمهور شوروی دیدار نامهای از حسنی مبارک رئیس جمهور مصر تسلیم کرد. یاسر عرفات رهبر سازه آزادیبخش فلسطین (ساف) بغداد رفت وی در عراق پیش از آنکه یک نیروی صلح عرب کویت مستقر شود. عرفات مذاکرات خود با مقامات عراقی را از آنجا که به موجب آن باید انتخابات در کویت زیر نظر این نیروی صلح که در مجموع ۱۰ شش ماه در کویت بماند، برگزار شود. طرح عرفات پیش می کند که کویت طبق الگو موناکو دارای یک سلطه مشروطه شود و برخی از حاکمیت خود را به عراق واگذارد. گفته می شود عرفات طرح مز را به اتفاق ملک حسین پاد اردن تهیه کرده است. ساف اشغال کویت توسط عراق و حضور نظامی کشورهای غربی خلیج فارس را محکوم می کند. دولت عراق از یوگسلاوی هم اکنون ریاست جنبش عدم تراضی را برعهده دارد خواست تا میانجی را در بحران خلیج فارس



وزیر اطلاعات:

کنترل، شناسایی و دستگیری هائشید خواهد شد

بقیه از صفحه اول

جوبی دارد را تقویت می کند. اکنون باید منتظر خبر اهدامهای تازه ای که احکام آنان در بیدارگامهای شرح صادر می شود، بود. این بار امیرنامه های رژیم گسترده است. فلاحیان صدر رژیم مبنی بر "شناسایی و کنترل عوامل دشمن" قبل از فعال شدن رامورد تاکید قرار داد. وی این عوامل را چنین معرفی کرد: "افرادی که خواهان اخذ ویزا از سفارتخانه های خارجی و یا گرفتن کارت (کارت سبز) از آمریکا هستند و یا اتانیکه می خواهند برای ملاقات بستگانشان به آمریکا سفر کنند" فلاحیان این افراد را "بهترین افراد برای سرمایه گذاری شبکه های جاسوسی" خواند! بدین ترتیب از این پس عوامل وزارت اطلاعات شناسایی و کنترل

ایفانکند. آمریکا بدون کند کردن آهنگ استقرار نیروهایش در خلیج فارس، از طریق هلائم معینی نشان داده است که راه حل دیپلماتیک را به کلی منتفی نمی داند. پرت سکو کرافت، مشاور امنیتی بوش برای خاور پرز دو کوئینار دبیر کل سازمان ملل در تلاش های میانجی گرانه اش آرزوی موفقیت کرد. همچنین جان کلی رئیس بخش خاور نزدیک در وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد یک مامور عالی رتبه آمریکایی به بغداد رفته است، و افزود: "او با عراقی ها گفتگو کرده و خود را برای ادامه گفتگوها آماده نگه داشته است."

عراق کویت را یک استان خود اعلام کرد

هفته گذشته عراق طی یک فرمان رئیس جمهور این کشور، کویت را از لحاظ تقسیمات اداری به دو بخش قسمت کرد. بخشی از کویت از این پس یک استان عراق نامیده خواهد شد، و منطقه دیگری از آن، به استان بصره ملحق می شود.

ایالات متحده را ترک کنند مابقی دیپلمات های عراقی اجازه ترک دایره های به شعاع ۴۱ کیلومتر در پیرامون واشنگتن را نخواهند داشت. متحدهان آمریکا در پیوستن به این تصمیم ایالات متحده تعلل می کنند. اعضای بازار مشترک اروپا بر سر پیروی یا عدم پیروی از اقدام واشنگتن دچار اختلاف شده اند. شوروی اعلام کرده است که دست به اخراج دیپلمات های عراقی نخواهد زد. گنادی گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی گفت این کشور نمی خواهد باز هم بر تشنج اوضاع بیافزاید.

روز پنجشنبه هفته گذشته، خاویر پرز دو کوئینار دبیر کل سازمان ملل در عمان پایتخت اردن با طارق مزیز وزیر خارجه عراق دیدار و گفتگو کرد. پرز دو کوئینار پیش از عزیمت به اردن برای ملاقات با طارق مزیز، نسبت به نتایج مذاکرات خود اظهار امیدواری نمود و افزود برای اوقابل تصور نیست که "یک برای خوامان صلح نباشد". جرج بوش رئیس جمهور آمریکا ضمن استقبال از اقدام دبیر کل سازمان ملل، درباره نتایج آن ابراز تردید کرد. بوش امکان سازش با عراق را منتفی دانست و گفت موج فعالیت های دیپلماتیک نباید باعث این توهم شود که دلیلی برای امیدواری وجود دارد. رئیس جمهور آمریکا افزود نباید از شرایط تعیین شده توسط سازمان ملل برای لغو تحریم ها علیه عراق عقب نشینی کرد.

خبرگزاری رسمی اردن گزارش داد کشتی های جنگی آمریکایی در هفته گذشته عازم آبهای بندر اردنی عقبه در کرانه دریای سرخ شده و سه کشتی تجاری با مقصد عقبه را متوقف کرده اند. یک کشتی با پرچم فرانسه توسط نیروی دریایی آمریکا و ادار به بازگشت شده است. خبرگزاری اردن می افزاید بندر عقبه که در گذشته بخش بزرگی از واردات عراق از طریق آن انجام می گرفت، اینک تقریباً فلج شده است.

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه روز سه شنبه ۲۸ ژوئیه برای دیدار و گفتگو با حسنی مبارک رئیس جمهور مصر وارد قاهره شد. مصر اعضای اتحادیه عرب را به یک اجلاس فوق العاده در قاهره دعوت کرده است. قرار بود این اجلاس روز پنجشنبه در سطح وزرای خارجه برگزار شود. تا اواسط هفته گذشته، ۱۱ کشور از ۲۱ عضو اتحادیه عرب با شرکت در اجلاس قاهره موافقت کرده بودند. رادیو عراق به نقل از طارق مزیز وزیر خارجه عراق گفت اجلاس قاهره فیر قانونی است زیرا فراخوانده آن به تایید همه اعضای اتحادیه عرب نرسیده است.

فرار شهروندان خارجی از عراق و کویت ابعاد گسترده ای به خود گرفته است. عراق که به اتباع کشورهای غربی اجازه خروج نمی دهد، شهروندان کشورهای اروپای شرقی و جهان سوم را آزاد گذاشته است که از عراق و کویت خارج شوند. تاکنون ده ها هزار کارگر مصری و شهروندان کشورهای آسیایی به اردن گریخته اند در اردن شمار این اتباع خارجی تا حدی افزایش یافته است که دولت اردن هفته گذشته اعلام کرد تا وقتی دولت های متبوع فراریان، انتقال آنها به کشورهایشان را تضمین نکنند، دیگر نخواهد گذاشت کسی از مرز اردن و عراق وارد اردن شود. تا اواسط هفته گذشته رقم اتباع خارجی وارد شده به پایتخت اردن به ۴۵ هزار تن رسیده بود.

دریک شهرک مرزی اردن حدود ۲۱ هزار کارگر اهل فیلیپین، هند، بنگلادش، سری لانکا و مصر منتظر صدور اجازه ادامه سفر خود به داخل خاک اردن اند. از روز هفتم اوت تاکنون ۲۵۰ هزار شهروند خارجی از عراق و کویت وارد اردن شده اند، و مقامات اردنی برآورد می کنند که این تعداد به یک میلیون نفر افزایش یابد. یک گروه از کارگران نفت اهل فیلیپین که از کویت گریخته اند، می گویند اینک در کویت سربازان عراقی در جستجوی شهروندان خارجی و آندسته از کویتی ها هستند که دست مقاومت در برابر عراق زده اند. هر شب صدای شلیک گلوله به گوش می رسد و نظامیان عراقی برای تحرین، تیراندازی ضدموایی می کنند. کامیون های عراقی پیوسته وارد شهر می شوند.

خاویر پرز دو کوئینار دبیر کل سازمان ملل در گزارشی پیرامون اجرای قطعنامه محاصره اقتصادی کامل عراق خاطر نشان کرد که مجموعاً ۸۸ کشور نسبت به این قطعنامه واکنش نشان داده اند و از سایر کشورها خواسته خواهد شد پاسخ خود به این قطعنامه را تسلیم سازمان ملل کنند.

آمریکا ۳۶ دیپلمات عراقی را اخراج کرد

دولت آمریکا به ۳۶ تن از ۵۵ دیپلمات عراقی در واشنگتن دستور داد که ظرف سه روز خاک

افشاگری به شیوه جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

شرعی میدهد که " برای عالی چون جناب محتشمی مطالبی مثل منوچ و فی فی جایز است " (به نقل از سخنرانی حائری زاده، کیهان ۳۱ مرداد).

نمونه این جنگ هادر روزنامه ها و بویژه در ستونهای مربوطه فراوانند. این ستونها یکی از وسایل مبارزه میان باندهای حکومتی هستند. مبارزه ای که از راههای مختلف صورت می گیرد و وسایل خاص خود را دارد. مهره چینی، پرونده سازی، پاپوش دوزی و افشاگری از وسایل مهم این مبارزه است. این قواعد تنها در مورد دستجاتی صدق می کند که زورشان آتقدر به هم نمی چربد که هیچ حریف را بخوابانند. زمانی که یکی از رقبای آتقدر ضعیف شد که خواباندن هج اش از سوی دیگران ممکن گردید و یا ناسازگاری اش به جایی رسید که کل نظام را به خطر انداخت، آنگاه وسایل بازی هوض می شود. زندان، شکنجه و اعدام یعنی وسایل مرسوم در جمهوری اسلامی، جایگزین وسایل قبلی می شوند. مثل نمونه معدی هاشمی.

اما فعلا جناح های حکومتی آتقدر پر زور هستند که هیچ کدام نمی توانند پشت دیگری را به خاک بمانند و لاجرم به پرونده سازی و پاپوش دوزی و "مبارزه جلف" علیه هم بسنده می کنند. آنها فعلا مجبورند دندان روی جگر بگذارند و صبر کنند تاکی نوبت به چوبه اعدام و طناب دار برسد و قرعه بماند که بیفتد.

سرخورده احساس میکنند. ثالثاً: در صورتی که ایالات متحده در جنگ متقبل تلفات شدیدی شود و روحیه افکار عمومی این کشور به مانند جنگ ویتنام از اساس تغییر میکند. نشانه های چنین چرخشی اکنون نیز چشم میخورد. طبق نظر خواهی شبکه تلویزیونی ABC هر چند ۷۰ درصد آمریکاییها طرفدار کویت با زور نظامی میباشند اما ۷۸ درصد مخالف آغاز حمله از سوی امریکانند.

گذشته از نکات فوق، گسترش تشنج در خلیج فارس از جنبه های مختلف اهمیت تعیین کننده ای برای آینده روابط بین المللی خواهد داشت. مسئله اینست که آیا حق دست بالا را خواهد یافت یا قدرت. آیا هنوز هم طرف قدرتمندتر قادر است طرف ضعیفتر را به انقیاد در آورد. در این مورد در هفته های گذشته اتفاق تاکنون بی نظیری رخ داد: تا بحال جامعه بین المللی هرگز چنین مصمم و یکپارچه علیه تجاوز یک کشور به حقوق بین المللی واکنش نشان نداده است. این نمایانگر کیفیتی نوین در تشریک مساعی جهانیست که از پایان مناقشه شرق و غرب ناشی میشود. سیستم امنیت جمعی و یک سری کامل از تدابیر حفظ صلح که چند دهه قبل در منشور صلح سازمان ملل ثبت شده، بر اثر تشریک مساعی امریکای شوروی برای نخستین بار نیروی عمل کسب کرده است. بنا به همه شواهد موجود دورانی که مناقشات منطقه ای در میدان مخاصمه غرب و شرق بر می افروخت به گذشته تعلق دارد. اما همه اینها یک چاشنی کوچک دارد. آیا اگر مناقشه موجود در منطقه ای صورت نمیگرفت که چهار پنجم

اسلامی و فرهنگ مبارزه سیاسی در رژیم جمهوری اسلامی رایاد گرفت.

یک نمونه، نمونه ای که طرفداران جناح محتشمی را سخت برآشفته ساخته است. حائری زاده نماینده مجلس و از وابستگان این جناح، این برآشفتنگی را در سخنرانی قبل از دستور خود چنین بیان می کند: "روزنامه رسالت مطالبی را به نام دو سوسول و دو جوان جلف تحت عنوان فی فی (دختر) و منوچ (پسر) بچاپ می رساند و این ذریه پیامبر (منظور جناب محتشمی است) را با تعابیر منوچ و فی فی به باد استهزا می گیرد و اهانت می کند." حائری زاده از سکوت مطبوعات و شخصیتها نسبت به این توهمین وهتک حرمت انتقادی کند و به روزنامه رسالت هشدار می دهد که "نباید به علمای دیگر توهمین روا دارد و با متنهای نیش دار و جلف علمی دیگر رامسخره کند." اما روزنامه رسالت که پشتش به کسانی چون خزعلی، آذری قمی، یزدی، راستی، کاشانی، و امثالهم از یکسو و بازاریان محترم از سوی دیگر گرم است، گوشش به این حرفها بدهکار نیست و هم چنان به استهزای شخصیت بزرگ اسلام در قالب "منوچ محتشمی" ادامه می دهد! کار اعتراض حریف که بالا می گیرد، خودایت الله آذری قمی شخصیت بزرگ دیگر اسلام پا پیش می گذارد و در روزنامه رسالت سرمقاله ای می نویسد و جواب

اولاً: روزنامه انگلیسی فیننشال تایمز مینویسد "اگر جنگ آغاز شود، قیمت نفت بسیار افزایش خواهد یافت و تولید شدیداً کاهش پیدا خواهد کرد. این وضعیت مشکلات فراوانی برای جرج بوش به همراه خواهد داشت."

ثانیاً: صدام حسین در افکار عمومی کشورهای عربی از محبوبیت بسیاری برخوردار شده است. بسیاری در او ناصر دومی می بینند که ملل منشعب عرب را دوباره متحد کند و از دست دشمنان صهیونیست و امپریالیست نجات دهد. صدام نیز زیرکانه از این روحیه استفاده میکند و اعلام جهاد داده و سوگند خورده است ثروت بی شرمانه و حاکمیت خانوادگی شیوخ عرب را بسود همه ملت عرب از بین بردارد. کمتر کسی از میان مردم عرب با کلانهای خانوادگی شیوخ عرب، که با حقوق بشر و حرمت انسانی نیز سرو کار زیادی ندارند، احساس همدردی میکند. از این گذشته مرزهای موجود در منطقه عربی چندان مقبولیتی ندارند. این مرزها توسط قدرتهای استعماری اروپایی بروفق منافع این قدرتها همدتا مصنوما ایجاد شده اند. باتوجه به محبوبیت صدام جای تعجب نیست که اغلب رهبران کشورهای عربی فقط با تردید به مقابله با او پرداخته اند. فراخوان او به قیام علیه این رهبران می تواند بسرعت در برخی از این کشورها به واقعیت تبدیل شود. به این ترتیب مناقشه خلیج قادر است ابعاد نوینی به خود گیرد و به نخستین مناقشه آشکار میان شمال و جنوب بدل شود زیرا تنفر اعراب از اسرائیل و آمریکا ریشه های همیق دارد و مردم بر اثر یوغ استعماری و شکستهای نظامی خود را

هم وطنانی را که قصد خروج از کشور را دارند نیز، تشدید خواهد کرد.

خلاصه حرفهای وزیر ساواک رژیم این است که از مبارزین سیاسی گرفته تا کسانی که قصد مسافرت به خارج از کشور را دارند، هیچ کس از دست وزارت اطلاعات و شبکه وسیع سرکوب آن در امان نیست. روناختناق در کشور ما برخلاف همه دنیا هم چنان رو به تحکیم است، تاجایی که حتی نماینده مجلس، ابو الحسن حائری زاده نیز به فغان آمده است که "آدم را خفه می کنند اگر حرفی بزند" و هیچ حادثه ای، حتی پایان جنگ و برقراری صلح نمی تواند این روند را دچار اختلال کند. اختناق و سرکوب همزاد این رژیم مستبد است.

کمک های کجای رود؟

بقیه از صفحه اول

موضوع به حد کافی گویا است. کمک های مردم را می گیرند، در جیب های گشادشان می ریزند، به حساب های بانکی اشان در خارج از کشور می فرستند، خرج گسترش نهادهای سرکوب، زندگی های شاهانه و تجملی، معاملات پنهانی اسلحه، تبلیغات دروغ و سایر اموری که به هیچ درد مردم نمی خورد می کنند و مشروران را برای بازماندگان جامعه اشک تماش می ریزند. اما مردم همچنان آواره و بی سرپناه هستند و در چادرها زندگی می کنند، بحرانی شدن منطقه، برقراری صلح بین ایران و عراق و بازگشت اسرا به کشور فرصت طلایی ایی برای سردمداران حکومت پدید آورده است تا در پی هیاهوهای گوشخراش تبلیغاتی نه تنها وظایفی را که نسبت به زلزله زدگان دارند، یکسره به دست فراموشی بسپارند، بلکه در پس این هیاهو ها با دستی باز تر به غارت بخش تنگدستی از کمک های مردمی ادامه دهند.

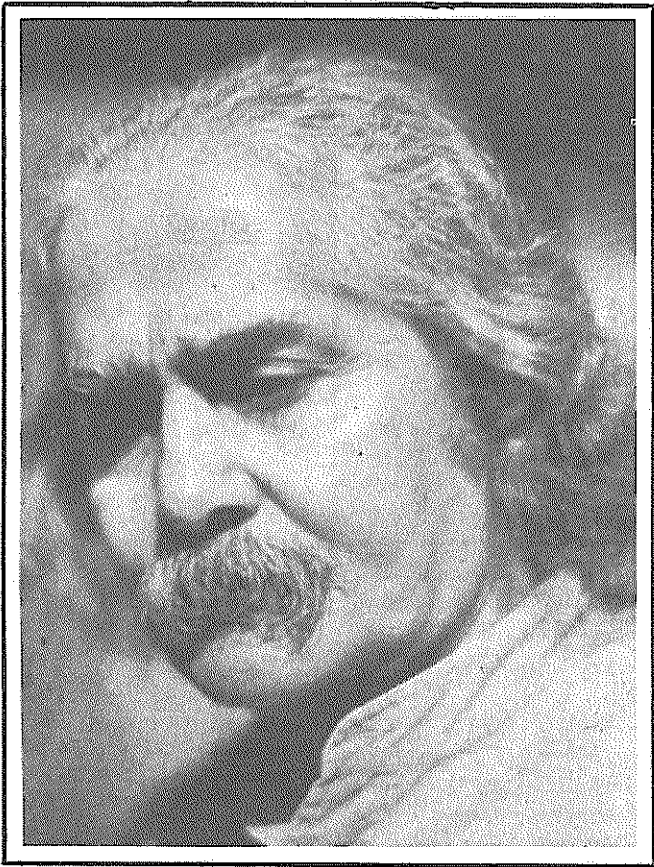
از جنگ سرد به جنگ گرم؟

مزدک

انتظار سیده باشد. البته برای حفظ منافع نفتی آمریکا اشغال نظامی عربستان سعودی و محاصره اقتصادی عراق کفایت میکند. اما اهداف آمریکا فراتر از این است. ایالات متحده با محوریت منطقه غرب و شرق خود را در نقش رهبر بلامنازع جهان می بیند. هجوم عراق به کویت نخستین ندایست که این ابرقدرت را در موضع جدید خود زیر سوال برده است. ایالات متحده از آنجایی که مسئله بر سر قواعد بازی در جهان آتی نیز میچرخد، مایل نیست به مطالبات جامعه بین المللی در این مورد بسنده کند. آمریکا علاوه بر برقراری وضعیت سابق در کویت در جهت تسلیم بلا قید و شرط بغداد، برکناری صدام حسین، نابودی نیروهای نظامی و همه منابع تسلیحاتی او تلاش میکند. به این ترتیب عراق، بعنوان یک قدرت نظامی لااقل برای سالها حذف خواهد شد، نقش رهبری آمریکا در منطقه تقویت خواهد شد و سایر حریفان احتمالی در همه جهان خنثی خواهند شد. البته انجام این اهداف نظامی خالی از خطر نیست.

مسئله کمتر بر سر آنستکه طوفان در خواهد گرفت یا نه بلکه سوال اینست که کی. مفسران سیاسی در آمریکا متفق القول اند که گسیل وسیع سربازان و ابزار جنگی به خلیج فارس برای ارضای خود صورت نگرفته است. آنها میگویند: همینکه تدارکات جنگی به انجام رسید "ببرد خلیج" آغاز خواهد شد. بنابر ارزیابی تحلیلگران این مرحله در اواخر سپتامبر فرا خواهد رسید.

زیگی نیف برژنیسکی که در دوره کارتر مشاور نظامی او بود هدف استراتژیک آمریکا در خلیج فارس را چنین عنوان کرد: "منافع واقعا حیاتی آمریکا در بحران کویت تضمین اینستکه خلیج برای کشورهای صنعتی غرب یک منبع نفت قطعاً مطمئن و ثابت با قیمت های قابل پذیرش باقی بماند." مسئله ایالات متحده آمریکا فقط نیاز کنونی به نفت خلیج نیست زیرا آمریکامیتواند از منابع خود و آمریکای جنوبی نیازهای خود را رفع کند. طرح استراتژیک ایالات متحده آنست که این منابع را برای دورانی حفظ کند که نفت منطقه خلیج فارس به



با خاموشی اندوهار مجدی اخوان ثالث، بی شک شعر امروز ایران یکی از سخن پردازان بزرگ و راهیان اصلیش را از دست داده است. اصالت و حقانیت شیوه بیان نیمايي، علاوه بر خلافت های نوین نیما، مرمون آفرینش های شاعرانه و تحلیل های مبتکرانه راهیان راستین اوست. که در آن میان مجدی اخوان ثالث، که مر در دستان این راه است، چهره بی درخشان دارد.

در خشنودی این سیمای تابناک، تنها به لحاظ آفرینش شعر های زمزمه گر و ماندگار او نیست، هر چند کانون بیشترین پرتو افشانی این چهره صمیمی شعر معاصر در این جا است.

بخش دیگر این درخشنودی، در توضیح ضرورت شیوه بیان نیمايي و تشریح دشواری های قانونمندان راه است.

نقد شعر به شیوه های علمی در کل و خاصه بررسی شعر امروز، زمان درازی نیست که در جامعه هنری ما راه یافته است و با همه کوشش های درازدامن و ارجمندی که در این راستا صورت گرفته، به جرات می توان گفت که در این زمینه - که خود هر صده بی راهگشاست - هنوز مادر آغاز را مییم.

هر چند اخوان، آل احمد، شاملو، پاشایی، حقوتی و... خود سال ها گامسپار این گستره شفاف بوده اند و در بازگشایی دقیق و ظرایف بیان امروزین شعر، سهمی سزوار احترام دارند، اما هنوز این هر صده را به لحاظ گسترده دگی دامنه خلاقیتش بکر و دست نخورده می یابیم. از این رو شعر های بزرگانی چون اخوان و شاملو و... هنوز که هنوز است، نقد و بررسی های موشکافانه یی را طلب می کنند.

تاکنون در باره ارزش های ادبی و زیباشناسانه و زمینه های روانکاوانه شعر های م امید - چنانکه خود می گوید - بیش از هزار صفحه در ایران و بیرون از آن نوشته آمده است که بی شک پس از این بررسی های از این دست به مثابه یکی از کار های جدی تحقیق در شعر امروز ادامه خواهد یافت.

در زیر با چاپ برگزیده مقاله یی از هوشنگ گلشیری - داستان پرداز برجسته معاصر - که در زمینه نقد شعر فارسی (قدیم و جدید) نیز دستی توانمند دربار دیگر یاد و یادگار های م امید - این عزیز بزرگوار و کاروانسالار شعر امروز - را راج می نهیم.

رندی از تبار خیام

هوشنگ گلشیری

و پوشاک و غیره سود ببرند.
گرچه اخوان در خطبه موخره "از این اوستا" اغلب یادداشتها و نوشته های پس از آن به نبایش اورمزد و امشاسپندان قلم فرسوده است، و به رسم همه جوپانان قوم، که ابتدا خانواده را به آئین خود می خواندند. حداقل نام پیامبران این کیش را بر فرزندان نهاده... اما آیا برآستی می توان اینهمه را بجد گرفت، بخصوص که تکیه زیاد در هر جا و به تفصیل اندکی مطایبه آمیز می نماید، یا حداقل نشانه آن است که به ساقچه همان رندی اخوان نیز می خواهد چیزی را پنهان کند؟

گفتم که اخوان همیشه عام مردم را پیش چشم دارد، گو که برای رسیدن به آنان دیگر از "مردمی" موجود در همان خود نمود می جوید، و نیز بی دانیم مساوات طلبی آغازین همچنان در او هست، یعنی شاید برای عرضه این آرمان اغلب مضموع است که که کیش مزدستی را عرضه می کند تا فارغ از اتهام بیگانه برستی حرفش را بزند.

در مجموع گرچه رندی اخوان مانع جدی است تا به چهارچوبهایی چنین مومن شود، آنهم بر ساخته خویش، اما اعتقاد به خالق بر تر و پاک و راستین، که البته بهر نامیش می توان خواند، مسلم است. همه آن طفره رفتنها و مثلا "از اورمزد گفتن ها برای نپهان کردن و در ضمن اعلام پنهان همین اعتقاد است. با اینهمه گاه اخوان، بیشتر در شفاهیات، این پیامبری شاعرانه، چاوشی خوانی برای کیشی یکسره ایرانی را به سفره می گیرد، مثلا "می گفت، در آن واقعه مولمه زوق، کسی گویا شبیه سلمکی منظومه زندگی می گوید اما... پخه جنایش را می چسید که آخر شما با این عبا و این هیات... بله موی بلند و سلیتو لحن و حالی که شاید به صوفیان می زده است، چرا در مجالس ذکر ما حضور پیدا نمی کنید؟

خوب، سائل این سوالها معلوم است چه جوابی شنیداست، آنهم وقتی اخوان از پنج کلمه یک جمله دوتای اول نیم جویده میان لب ناقل و گوش آن مومن معلق، یعنی مثلا "تاشنیده می ماند، و ستهای آخری را رخصت نمی دهد تا حتی از لب و دندان برآید.

سائل فکر می کند شنیده است که این بابا شاید مسیحی است. خوب، در منقبت عیسی فصلی می گوید. باز چیزی می شنود، که البته فکر کرده است که شنیده. ناچار در منقبت موسی می گوید و بعد هم در منقبت کی؟ بله، اخوان می گوید، درمانده بود کیست آنهم، با این تسبیح و این موی افشان و این همیشه در گفتار و رفتار. بالاخره می پرسد: خوب، شما، بالاخره... چیزی گفته است که از ادیان آسمانی بالاخره به کدام مومن آید؟ اخوان گویا این بار برخلاف رسم معمولش به روشنی تمام می گوید: من بیغمیری هستم که بر خود سعوت شده ام، پس جز خودم پیروی ندارم.

این آئین، حالا دیگر می خود حد کتب، نظامی شاعرانه است، محامی برای انکار نظامهای فکری مسخند فرکان و هر چه انیرانی است و تاسدی تراجه ساعر را به آثار این خاک وصل می کند، سا-امه، اوست که کجایی است: این چهارچوبی که خود ساخته است. دارست تعریفش بود در "زندگی می گوید اما باید زست...". البته با صرف نظر کردن از چند فصل بااسی که خواهیم گفت چرا راخند با برآهاند - حاصل می دهد.

بررسی این منظومه به نظر ما به همین دلایل که گذشت ضروری است. از میان این دلایل بر دو نکته بیشتر بکیه خواهیم کرد:

اول این که بیشتر منظومه های معاصر منظومه های داستانی است، از "افسانه" و "مالی" نیما گرفته تا "بریا" و "دختران نه دریا" ساطو و بیشتر آثار خود اخوان تا تجربه های سیراز او مخصوص آثار اخیر و اغلب چاپ سنده، ساطو. طرح این بحث حداقل روش خواهد کرد که شعر معاصر، آنهم در عرصه منظومه های داستانی در مقابل منظومه های غیرداستانی چون "ایمان بیوریم"... فرخزاد و "سفر" سپهری در کجا و چگونه به توفیق دست یافته است، یا می تواند دست یابد.

دوم این که اغلب شاعران ما فاقد بیس حای و میایزند. پس با این بررسی می توان دید که کاربرد یک بیس خاص تا چه حد می تواند به انتظام یک منظومه مدد برساند، و دست آخر چرا در صورت عدول از آن بیس منظومه با شکست روبرو خواهد شد. می توان با تکیه بر برداشتهای لحظه ای و تبعیت از بسد عام یا سبشهای مرسوم اشعاری خلق کرد، ولی به گمان ما خلق یک منظومه - البته با فرض وجود همه مختصات شعری - بدون انکا - به یک بیس منظم امکان پذیر نیست.

از اینجا گذشته به نظر ما، توفیق اخوان، بیشتر در شعرهایی است که به نقل داستانی کامل یا شرح یک حادثه می بردارد. اولاً "اخوان واقعا" داستان گویا قدرتی است. اغلب کسانی که ما او جزئیوتری دانسته اند از قدرت او در نقل یک قصه، بخصوص واقعه ای طنز آمیز، به تگنی دچار شده اند. شاهد مکتوب این قدرت، صرف نظر از شعرهای او، همان قصه و فورضایعات و تلفات تاعری در موخره، "از این اوستا" است (جاب ستم، صفحه ۱۲۲ به عد).

دوم گاهی سوسدگان یا شاعران همانگونه می سوسند یا می برآید که می گوید، یعنی فن خلای آنها همان فن عام هرروزه است، مثلا آل احمد همانگونه می سوس که می گفت. اما گروهی نیز هستند که در لحظات عادی آدمی متعارف اند، چنان که گاه آدم باور نمی کند کسی با این مایه سواد و شعور خالی فلان اثر است. اخوان مسلما" ار گروه نخستین است، همانگونه می نویسد که می گوید. با مقایسه مقدمه و موخره های او و بدعتها و بدایع سیمابوشیح و غطا و لغای سیمابوشیح یا گفتارهای تلویزیونی اش می توان حکم کرد که اخوان به روال قصه در قصه، با حرف در حرف سخنش را می گوید، گاهی این حاشیه در حاشیه رفسها در خود ساخت زبانی نثر یا شعر نیز دیده می شود. از بسیاری مثلها می توان این چند سطر را آورد:

و باری، بدینگونه بود که بیشتر شناختن تو مرد، تو مردم، دیدم که دارم - مثل این که خودم را هم بیشتر می شناسم و بکطور دیگر طوری که شاید خیلی هم برآیم آشنا و آسان نبود.

چند یادداشت بر "برگزیده شعرها" یا همانجا:

و شب خسته بود، خسته شده بود. بچتم گاهگاه رنگ بریده و ملول می نمود. شاید خوابش می آمد. شاید می خواست برود، و این را که قبلا کمابیش احساس کرده بودم...

که زبانی است پراز قید و مترادف و تکرار، که گاه نشان دهنده رندی و نازک بینی است، و زمانی، البته، محملی است برای کش دادن نقل. اما اگر آن ذهنیت و این زبان برنخ نقل قصه ای قرار گیرند، بخصوص که فضای قصه پراز شک باشد و یا وهم ذهن مهار می شود و زبان کاربرد بجایی پیدا می کند، به همین جهت است که قصه در منظومه های داستانی اخوان رکن اساسی است. گرچه در بسند مافلمرو قصه را به داستان نویسان باید وا گذاشت، یا بهتر در سالهایی که اخوان بهترین شعرهایش را می سرود، پسند غالب همین بود، تا آنجا که خود شاعر هم این اصل را دیگر پذیرفته بود و مثلا "زندگی می گوید اما..." رانتر "منظوم" می نامید تا گریانش را از دست نکته - گران احتمالی نجات دهد، اما گفتنی است که بدون تشبیه به نقل قصه مسلما" ادب معاصر از چند شعر ماندگارش بی نصیب می ماند. افزون بر اینهمه باید دید که شاعر داستانرا با چه ذهنیتی یا قصه شعرش روبرو شده است. اگر نقل قصه به روال قدما باشد، مثلا "با سعیت از سرب زمانی، خلق شخصهای بی زمان و مکان و عرد، مسلما" کاری در خور عنایت خواهد بود. اخوان بدون شک - اگر شهادت صاحب این قلم ساط اعسار باشد - از ذهنیتی مدرن در داستان نویسی برخوردار است.

مختصه دیگر منظومه های اخوان، و ایحا منظومه، "زندگی می گوید اما..." رمزی بودن آنهاست، یا در حقیقت بیشتر شعرهای داستانی او دارای دو لایه، ظاهری و باطنی اند. می دانیم که در شعرهای رمزی معمول این است، و جاحم همین است، که ساعر نسبا به عرضه لایه، ظاهری سنده کند و تعبیر و تفسیر لایه باطنی را بر عهده خواننده بگذارد تا او به کمک اشارات و نشانهها به معنای مورد نظر شاعر یا معنای دیگر دست یابد، اما اخوان گاه به جای لایه ظاهر لایه، باطنی راهم عرضه می کند؛ گاه نیز هر دو لایه را در کنار هم می آورد؛ گاهی نیز هر دو را با هم در می آمیزد.

یکی دیگر از شروط توفیق یک شعر رمزی همخوان بودن عناصر لایه ظاهری با هم است، مثلا "اگر مکان داستان در لایه ظاهری زبدانی واقعی باشد، زندانیان این مکان باید آدمهای واقعی و ملموس باشند. رابطه میان این آدمها و آن مکان و زمان داستان نیز باید رابطه ای واقعی، علی باشد. برعکس اگر عناصر لایه ظاهری نامحتمل باشند، مثلا "وقایع یک خواب، منطق حاکم بر رابطه این عناصر نیز باید نامتعارف شوند. دخالت دادن تفسیر این وقایع - لایه باطنی - در سطح ظاهری شعر سبب می شود تا عناصر موجود در این سطح در رابطه های آنها به استناد وقایع سطح دیگر توجیه شود. در این صورت شعر به جای سمول، محدود به حدود سیاسی یک دوره خواهد شد. بیشتر شعرهای رمزی ادبیات معاصر ایران - که اغلب به غلط سمبلیک خوانده شده اند - گرفتار این ضایعه اند. در حالیکه شعر وقتی سمبلیک قلمداد می شود که به لایه باطنی تنها از خلال لایه ظاهری و در سطح ظاهر به حود وقایع و آدمها و مکان و غیره از منظرهای متفاوت نگریسته شود تا معنای باطنی از چشم نگرنده واحد و در یک زمان مشخص متعدد گردد.

مهدی اخوان ثالث، م امید، بی شک رندی است از تبار خیام، با زبانی بیش و کم میانه شعر نیما و شعر کلاسیک فارسی، تعلق خاطر او را به ادب کهن هم در التزام به وزن عروضی و قافیه بندی، ترجیع و تکرار می توان دید و هم در تبعیت از همان صنایع لفظی قدما مانند مراعات النظیر و جناس و غیره. مهمتر این که شکل بیشتر اشعار او متکی بر نقل یک قصه است و گاه حتی از ساخت قصه در قصه، مالوف در ادب شرق سود می برد. شکل شعرهای غیرداستانی او بیشتر وصف یک واقعه است از منظرهای گوناگون که در شعر کهن غیر روایی ما بسیار متداول بوده است (۱). اسلوب بیانی مورد علاقه او بیشتر رمز است که باز ادامه همان اسلوب بیشتر رایج در اغلب آثار عرفانی ماست، اما او این بار به جای اشعار رمزی عرفانی، به خلق آثاری رمزی - سیاسی یا اجتماعی دست می زند. گاه به دلایلی که خواهد آمد بعضی از آثار او را می توان سمبلیک خواند، پس شاعری سمبلیست نیز هست که این مختصه ادامه سنتی است که پایه گذار اصلی آن در شعر سرزمین ما نیما بود.

آبشخور بینش او از همان سرچشمه ای است که نیما از ۱۳۱۶ یا ۱۳۱۷ به بعد بدان دست یافت، که اصطلاحا "مترقی" خوانده می شد، و اصول آن را اخوان گاه به صراحتی بیشتر از نیما اعلام داشته است. این پیش بیشتر سیاسی و کمتر فلسفی وقتی اخوان به شعر نو روی آورد مصادف با شکست سیاسی ۱۳۳۲ شد. بازتاب این شکست در شعرهای اخوان ("زمستان"، چاپ اول، ۱۳۳۵) ابتدا به یاس شخصی کشید؛ گسستن از یاران نیمه راه، دشنام باران کردن هر چیز و هرکس، آنگاه به یاس از این آب و خاک و به قول خودش این باغ: همان ره توشه برداشتنها و نفرین کردن به گیاه - آدمهایی که ریشه هاشان در خاکهای هرزگی مستور بود، سرانجام نیز به یاس فلسفی انجامید: قطع امید کردن از هرگونه تغییر. اما در همه این مراحل، حد اقل به گواه اغلب مقدمه ها و موخره ها آن چهره، عام و کلی "مردم" مخاطب او ماند. باز به استناد شعرها و نیز مقدمه ها و موخره های اغلب پنجه در پنجه قدرت زمانه می افکند. از سوی دیگر در مقایسه با اغلب کسانی که از آن پیش اجتماعی و سیاسی و البته کمتر فلسفی متأثر بودند، اخوان حداقل سه مختصه نیز داشت که او را از معاصران و حتی از نیما متمایز می کرد. اول این که شعر او در فاصله ۳۲ تا ۴۰ (سال سرودن کتیبه که می توان آنرا بتقریب پایان پیش قبلی و شروع پیش جدید خواند)، و حتی تا همین سالهای اخیر شاهد زمانه بوده است: یعنی برغم آن امیدهای هم دروغین و هم کلیشهای که در آثار اغلب شاعران سیاسی موج می زد، اخوان بر آنچه بود شهادت می داد. دوم رندی اوست که عامترین مختصه اوست و دوره نو اوستایی او را نیز در برمی گیرد. این رندی، که گفتم میراث خیام است و گاه حافظ سبب شده است تا اعتقادات مرحله ای خود را چندان هم بجد نگیرد، و حتی خود را به سفره بگیرد، که این خود از مختصات رندانست.

در مقابله با قدرت زمانه و نظامهای فکری رایج یا مسلط ظاهر پدیرش و نرمش است، اما چون قدر قدرت زمانه سراز خواب خوش خیالان بردارد - مثلا "با "مرد و مرکب" - خود را رسوائی خاص و عام می بیند. با آن نظامها نیز اگر کار با تقیه بر نیاید، بخصوص که دل ای دل خواننده های شاعران را سخت جدی می گیرد، به دستاویز جنون شاید امید رهایی باشد، با اینهمه البته در هر دو عرصه ممنوع القلم شدن است و به بند گرفتار آمدن و بیکاری و فقر، و حتی ممکن است که به نستین برآسد جویی بیجامد. یکی دو زندان اخوان در آغاز کار شاعری از حدود ۳۲ به بعد، و یکی هم در اواسط دهه، چهل - گرچه دستاویزی هم بود - از تبعات همین دل ای دل خواننده بود.

سومین مختصه اخوان تعلق او به ایران است و نفرت او از هر چه به اصطلاح انیرانی است، آنهم برخلاف رسم زمانه - بازگشت به سنت اسلامی شریعتی و آل احمد از یک سو و فرنگی مآبی از سوی دیگر، که شاید همان سنتی است که از ادبای خراسان چون سید محمود فرخ به ارث به او رسیده بود.

حاصل آن تعلق به عام مردم و درگیری با قدرتهای زمانه، چه قدرتهای بیگانه و چه کوچک ابدال آنها در این ملک و تعلق به ایران و نیز آن مایه از رندی که در او هست و حتما" احوالات شخصی، مثلا "به قول خودش نیاز به ایمان و دستگامی فکری که در آن بتواند دم بزند. شاعر را واداشت پس از آن یاس فلسفی که مثلا "در کتیبه به اوج رسیده بود، برای خود سرپناهی شاعرانه دست و پا کند، که همان آئین مزدستی بود، ترکیبی از زردشت مزدک (ونیز مانی و بودا).

در این دستگاه فکری به قول خود شاعر اجتماعیات از مزدک و اساطیر از زردشت به وام گرفته شده است، مثلا "، و به حسب ظاهر، به این باور رسید که جهان به مثل خیمه ای است و مردمان همه بر سر این سفره جهانی نشسته اند، پس باید به تساوی از این نعمات در خورد و خوراک

از جنگ سرد به جنگ گرم؟

بقیه از صفحه ۳

جبر آهنین بازار جهانی که موحد بدمی کلان کشورهای جهان سوم و مبادله ناعادلانه جهانیت بنابه آنچه کارشناس اقتصادی روزنامه دی تسایت میگوید، سالانه به انتقال ارزش بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار از جنوب به شمال منجر میشود. هدف والای یک جامعه همبسته جهانی نباید تحت شرایط شکاف روز افزون سطح زندگی میان شمال و جنوب به تاسیس یک پلیس بین المللی جوامع صنعتی تقلیل داده شود. اگر نظام ناعادلانه جهانی و انقیاد و استثمار مردم جهان سوم توسط کشورهای صنعتی پیشرفته همچنان ادامه یابد با یک نظم نوین اقتصادی در جهان جایگزین نشود، آنگاه جنگ سرد میان غرب و شرق که بدون خون ریزی پایان یافت اینبار با جنگی داغ میان شمال و جنوب که بی شک جنگی خونین خواهد بود جایگزین خواهد شد.

پلورالیزم سیاسی روی آب افتاد. این یک واقعیت تلخی است که برخی محافل بورژوازی ایران در کفشان از دموکراسی و پلورالیزم واقع بینانه تر از بسیاری از نیروهای جنبش چپ است. خوب رفتاری که توی برنامه ارائه شده شان (از جمله رفیق سهراب مبشری) یک بند جداگانه می آورند و پیشنهاد "اتحاد همه نیروهای چپ" با "هدف نهایی وحدت ایران" (اکثریت ۳۱۰) را می دهند آیا متوجه هستند که بسیاری از همین نیروهای چپ د یکتاتورهای خونریز آینده اند اگر با همین فعلی شان به قدرت برسند؟ اگر چنین اتحادی تشکیل شود و ما هم اصول خودمان را زیر پا نگذاریم آنوقت باید آنرا جزو عجایب چندگانه ی دنیا بحساب آورد. متأسفانه ما با ظرفیت های متفاوت و گاه متضاد سرو کار داریم. علاوه بر این بسیاری از افراد نیروهای چپ با اینهمه تحول و زیرو رو شدن تئوریا و مناسبات سیاسی خودشان هم نمی دانند چی هستند و چه می خواهند. تنها چیزی که می دانند این است که چی نمی خواهند و آنهم گاه موارد بسیار کلی و نادقیق. خوب با این بلبشو معلوم نیست کی می خواهد شق القمر کند و جلوی پراکندگی چپ را بگیرد. ما هنوز راه درازی در پیش داریم و باید بگذاریم تا جنبش چپ و تک ساز مانها جا بیافتند. دوره ی اندیشمندی تازه شروع شده است. همی ما احتیاج به زمان و تجربه ی بیشتر داریم. بگذار اول به سرو وضع خودمان برسیم و خودمان را برای کنگره ای که انتظار معجزه هم نباید از شما داشته باشیم، آماده کنیم بعد می توانیم جزئیات بیشتری را به کمک رویدادها و تحولات آتی تجربیات و جافتادگی های بیشتر همگی نیروهای چپ به کنگره های آتی مان تحمیل کنیم. بندهایی پیشنهادی این چنینی در این موقعیت فعلی نیاز سازمان مار پاسخ نمی دهد. ما انکار هنوز نمی دانیم با چه کنگره ای سرو کار داریم و چه باید از شما بخواهیم اگر بخواهیم معضلات مان همگی در کنگره رفع و رجوع شوند بر خطا رفته ایم و نتایج کنگره توی ذوقمان خواهد زد. باید از کنگره به اندازه ای توان و موقعیتش چپ خواست.

(توضیح: مقاله فوق قبل از برگزاری کنگره برای نشری ارسال شده است)

ذخایر نفتی در آن انباشته اند و به همین دلیل نقش کلیدی برای عملکرد اقتصاد غرب دارد، واکنش بین المللی به همین شدت میبود. واکنش بی رمق جامعه بین المللی نسبت به حمله عراق به ایران، جنگ مرگ آفرین این رژیم علیه کردها، اشغال مناطق مرزی توسط اسرائیل و حمله آمریکا به پاناما که همان اندازه تجاوز به حقوق بین المللی محسوب میشوند به این سوال پاسخ منفی میدهد. اینرا نیز نباید فراموش کرد که همین جوامع صنعتی بودند که بخاطر مصامع سود جویانه و محاسبات سیاسی، عراق را به پنجمین قدرت نظامی جهان تبدیل کرده اند. و بالاخر مشکل بتوان اینرا هضم کرد که درست ایالات متحده آمریکا که در گذشته بارها موازین بین المللی را نقض کرده اکنون که پای منافعش مطرح است چهره خود را بشکل بیشتر اول دفاع از حق و اخلاق بزرگ نموده است.

زندگی پر ثمرشان در تاریخ معاصر ایران زیر خاک مدفون شده است. می پرسیم مگر چنین شخصیتهای مبارزی در همین دوره ی ما زنده و سرومروگنده حضور ندارند؟ تازه کی گفته است که نام و نشان اینان باید همی آفاق را در نوردد تا ما باورمان شود که وجود دارند؟ و واقعا معلوم نیست تصور ما از خودمان چیست؟ هر چه که هست زنگار کبر و خودخواهی مانع آن است که به هویت واقعی خودمان پی ببریم (به سیاقی که رفیق خسرو شاهی می خواهد).

اما مسئله چپ به بها و بهانه ی چپ: پیش فرض دیگر این است که باید هر چه توان داریم در اسرع وقت و باتمام انرژی مصروف اتحاد عمل نیروهای چپ کنیم چون این نیرو فقط این نیرو است که قادر به انجام تحولات است. می دانید بنظر من بهتر است الکی شعار ندهیم. ما فعلا هشتمان گرو نعمان است. بگذارید اول ببینیم کیستیم و کجا می خواهیم بریم بعد بیاییم خطو مرز بکشیم برای جلو گیری از پراکندگی چپ. نمی خواهیم آب سردی روی بدن گرمان بریزیم و دلسردی را دامن بزنیم. می گویم بهتر است فعلا در این مورد وارد جزئیات تئوریکش نشویم که دو باره به صرافت بیافتیم. ابتدا حرفهای خودمان را یک کاسه کنیم و یک دور نمای روشنی از خود مان و همدمان داشته باشیم بعد به شناخت از دیگران به هدف جلوگیری از پراکندگی دست بزنیم. همینقدر که الان به این نتیجه رسیده ایم که دموکراسی محور است خودش کلی ارزش دارد و آورده کلی مباحثه و خون و دل خوردن است. با همین معیار می توانیم با دیگر نیروهای سیاسی وارد اتحادها و ائتلاف های مشخص شد. امروزه اگر سازمان ما با چند سازمان معتبر دیگر که ایده های استقلال طلبانه و آزادیخواهانه دارند، اعلامیه می دهد و نشست و برخاست بی تنش دارد به میزان زیاد دستاورد حلاجی و جمع بست تئوریک همین مقوله فوق است. به همین دلیل بود که پس از انتشار مقاله ی سازمان که تلاشی بود برای گذردن روزنه ای برای مباحثه با دیگر نیروهای حاضر و موثر در اپوزیسیون، برای اکثر ما قابل هضم بود.

بیشتر از همه آنهایی که رنگ خودشان را سرخ تر از بقیه می پنداشتند (و می پندارند) رنگشان پرید و پته ی درکشان از

اکثریت) و انتشار گزارش و مصوبات آن، برای بازتاب همه جانبه و واقعی ترین رویداد بزرگ تاریخ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و برای ادای سهم در حل مسائل و مشکلات رودر رو و تدارک و تعقیبانه و اصولی حرکات و تصمیمات در پیش و کنگره آتی، از نمایندگان شرکت کننده در کنگره، اعضاء و هاداران سازمان و دیگر خوانندگان نشریه می خواهیم که ارزیابی خود از کنگره نخست سازمان و انتظارشان از رهبری منتخب آن و کنگره آتی را جهت نشر، برایمان ارسال دارند. این مطالب در صفحه ای که به همین منظور در "اکثریت" گشوده خواهد شد بچاپ خواهد رسید. در خواست داریم که پاسخ های خود را فشرده و خوانا بنویسید.

نمایندگان نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در آئینه آمار

تعداد فرزندان (نمایندگان متاهل)	وضعیت خانوادگی	سابقه کار با سازمان
بدون فرزند ۱۵ درصد	مجرد ۱۶ درصد	کمتر از ۵ سال ۱ درصد
یک فرزند ۳۰ درصد	متاهل ۸۴ درصد	۱-۶ سال ۸ درصد
دو فرزند ۴۶ درصد		۷-۱۵ سال ۶۸ درصد
سه فرزند ۴ درصد		۱۶-۲۰ سال ۲۰ درصد
چهار فرزند ۴ درصد		۲۰ به بالا ۳ درصد
پنج فرزند ۱ درصد		

۳۶- درصد در سال ۵۷ (با انقلاب بعثت) به سازمان پیوسته اند
 ۶- درصد از قبل از سال ۴۹ با جریان فدائی کاری کرده اند
 ۳۸- درصد از سال ۴۹ تا ۵۷ به سازمان پیوسته اند
 ۲۰- درصد پس از انقلاب به سازمان پیوسته اند

آخرین شغل نمایندگان قبل از مهاجرت

شغل	درصد
کارمند	۲۱ درصد
کارگر	۱۶ درصد
مهندس	۱۴ درصد
تکنسین	۱۱ درصد
حسابدار	۱۰ درصد
دانشجو	۵ درصد
پزشک	۴ درصد
محصل	۴ درصد
مدیر کارخانه	۳ درصد
شغل آزاد	۳ درصد
دبیر	۳ درصد
متخصص شافل در رشته های مدیریت، کامپیوتر، کشاورزی، حقوق، زمین شناسی و آمار	۷ درصد
در صد شافلین قبل از مهاجرت متوسط سابقه کار	۶۶ سال

ترکیب نمایندگان از نظر وابستگی ملی

فارس	۶۵ درصد
آذری	۲۲ درصد
کرد	۹ درصد
ترکمن	۲ درصد
بلوچ	۱ درصد
عرب	۱ درصد

سطح تحصیلات نمایندگان

کمتر از دیپلم	۳ درصد
دیپلمه	۱۹ درصد
فوق دیپلم	۶ درصد
دانشجوی قبل از مدرک	۳۲ درصد
لیسانس	۲۱ درصد
فوق لیسانس	۱۱ درصد
دکتر	۸ درصد

سابقه کار سیاسی

کمتر از ۵ سال	۱۰ درصد
۶-۱۰ سال	۱۱ درصد
۱۱-۱۵ سال	۴۱ درصد
۱۶-۲۰ سال	۴۰ درصد
۲۱-۲۵ سال	۱۲ درصد
۲۶-۳۰ سال	۳ درصد
۳۰ به بالا	۳ درصد

جوان ترین نماینده ۲۶ سال
 مسن ترین نماینده ۶۴ سال
 سن متوسط نمایندگان ۳۶/۵ سال
 کمترین سابقه کار سیاسی ۸
 و بیشترین ۴۲ سال
 متوسط سابقه کار سیاسی ۱۸/۵ سال

امان از دست این پیش فرض ها!

داوود چکلش - آمریکا

میدانیم که با توجه به شرایط جامعه ایران حتی کودنترین و هارترین قشر بورژوازی که به اندازه ای یک جو پرنسیپ داشته باشد یعنی به امر تولید هم بپردازد - قادر است جامعه ایران را متحول سازد. حتی بدتر از این، بورژوازی دربار شاهی هم که در چاکری و دلالتی طولانی دارد قادر است تحولات مثبتی را در ایران دامن زند. البته تحول داریم تا تحول، درست است. اما آیامگر ما کاملا میدانیم چه تحولات میخوایم که آنرا بعنوان معیار داوری دیگران در مدنظر گیریم؟

این پیش فرض نامبرده که چپ را تنها بعنوان چپ تقدیس میکند، ممبران همان پیش فرضی است که "رسالت تاریخی تغییر و تحولات را بر عهده ی طبقه کارگر و (البته) نمایندگان او" محروم شده می داند، یعنی از یک

اندیشه ی نزدیکی هر چه زودتر و بهم پیوستگی نیروهای چپ در ایران همواره بصورت آرزویی در میان بسیاری از افراد نیروهای سیاسی چپ ایران در آمده است. این آرزو بویژه پس از ضربات ۶۱-۶۲ به ما و برخاستن از خواب غفلت خیانت بار در میان نیروهای سازمان شکل قویتری بخود گرفت. مسئله از زوایای مختلف مورد بررسی قرار میگرفت و میگرد. موضوع مرکزی این بود و هست که کاری بکنیم تا از پراکندگی نیروهای چپ جلوگیری بعمل آوریم و مانع هرز رفتن نیروهای تئوریک و عملی در جنبش چپ ایران شویم. میدانید مسئله ی ممانعت از تفرقه با پیش فرضی روحی و ذهنی تقریبا یکسان و واحدی کندوکاو میگردد. یکی از این پیش فرضها این است که چپ ایران تنها و تنها نیرویی است که قادر به انجام تحولات در جامعه ی ماست. آیا این پیش فرض درستی است؟ ما

خود خواهی بیکرانی نشات می گیرد بی آنکه نیم نگاهی و تعقیبانه بخودش و دیگر نیروهای جامعه بیاندازد. ما فکر میکنیم کلید حل معضلات ایران در جیب جنبش چپ ایران است و شیشه همر بدبختی ها و عقب ماندگی ها ... همانا حی و حاضر در دست ماست. آدم بعضی حرفها را می شنود شاخ در می آورد و بیاد هندوانه زیر بغل گذاشتنهای توده ای، راه کارگر، مجاهدین و ... می افتد که مدام بخودشان عنوان و جایزه و رسالت اهدا می کنند و خودشان را نماینده ی واقعی این و آن می داندند و برای دیگران تعیین تکلیف میکنند و یا احمقانه تر این و آن را تهدید می کنند. ما خودمان سابقه ی زشتی از همین عنوان چاق کردن برای اینهمه بحث های متنوع و اکثر ابر مغز و نقش هنوز هم آن فیده کبر و خودخواهی الکی از توی سرمان از بین نرفته و اینجا و آنجا تزهایی می دهیم که بیشتر به شعارهای آبی و آبدوغ خیاری می ماند و تصور زشتی از مادر نظر دیگران ایجاد می کند. بعنوان نمونه: (با

عرض معذرت از رفیق خسرو شاهی که مقاله اش الان جلوی من است و بناچار تنها به همین مقاله هم اکتفا می کنم) "در ایران ما، آلوده ترین و خطاکارترین جریان چپ صدار بر جریانات غیر کمونیستی شرف داشته است، صدار در آن موازین دموکراتیک برقرار بوده است. بهترین، اندیشمندترین، مردم دوست ترین و جانبازترین مبارزین سیاسی میهن ما در جریانهای کمونیستی متشکل بوده اند!!" (با ببادست مریزاد! تازه این تز (یا بهتر شعار تبلیغی آبی) از مقاله ای بیرون می زند که نویسنده اش تلاش کرده است منطقی باشد و همچون طبیعتدان بیرحمی خار و خاشاک را از چهره ی طبیعی چیز مورد نظر بزداید. یک لحظه فکر کنید به این که مثلا علی اکبر دهخدا را کجا بگذاریم. الان توده ایها می گویند جزو کمیته مرکزی حزب و اصلا بنیانگذار حزب بوده است!) یا بسیاری شخصیتهای مبارز مستقل که من و خیلی از هموطنان من با کمال تاسف از وجود بسیاری شان اطلاعی نداریم و پرونده ی

هنر و زیبایی

کنگره جهانی سرطان در هامبورگ

حوا - ست ولی گفتنی است که این موادمی توانند جایگزین سیگار و دخانیات دیگر شوند و تنها می توانند برخی از عوارض ترک سیگار را کاهش دهند. به باور "ریچارد فرکر" از کانادا تلاش افراد سیگاری برای ترک آن معمولاً به شکست می انجامد. بیشتر افرادی که سیگار را ترک می کنند، پس از چندی دوباره کشیدن آن را از سر می گیرند. ۹۰ درصد افراد تنها در چهارمین یا پنجمین تلاش توانسته اند سیگار را ترک کنند. با این همه کسی هم که به ترک قطعی سیگار موفق می شود نباید انتظار داشته باشد که سرطان اصلاً به سرافش نیاید، زیرا که تا چندین سال بعد از ترک و در مورد افراد شدیداً سیگاری تا ۱۵ سال بعد هم خطر ابتلا به سرطان منتفی نیست.

یک پزشک دیگر از کانادا به نام آنتونی میلر بر آن است که تغذیه سالم می تواند به میزان زیادی خطر ابتلا به سرطان را کاهش دهد. غذای پر چربی زمینه ساز بروز سرطان سینه و روده است. به گفته وی چشم پوشیدن از کره حیوانی و روغن آویشن به کره گیاهی هم چندان کار ساز نیست، زیرا که چربی گیاهی نیز می تواند سبب بروز سرطان شود. به باور میلر بهترین تغذیه عبارت است از روزانه ۵ وعده غذایی مرکب از سبزیها و میوه های گوناگون. وی البته نگفت که این تجویز سف و سخت را چه کسی حاضر است که اجرا کند؟!

ویتامین ث که ماده کارایی در پیشگیری سرطان است افزون بر مرکبات در پاره ای از سبزیها و تره بار زرد (هویج و...) نیز یافت می شود و از این رو مصرف سبزیها نیز می تواند در ابتلا به سرطان نقشی پیشگیرانه داشته باشد. میلر در همین حال نسبت به خوردن خوراکیهایی که مواد شیمیایی و قیر به آنها افزوده شده و نیز نسبت به مصرف گوشت دود داده شده و کاسترین هشدار داد.

حال اگر کسی یافت شود که به رغم پرهیز از دخانیات و الکل و نیز به رغم خوردن غذاهای ویتامین دار باز هم به سرطان دچار شده باشد، چندان جای شگفتی نیست، زیرا مواد آلاینده محیط زیست و گازهای سمی پراکنده در هوا نیز می تواند سرطان زا باشند. بر پایه پژوهش سازمان جهانی بهداشت نزدیک به ۹۰ نوع سرطان را مواد و سموم موجود در محیط زیست پدید می آورند. متأسفانه گردآمدگان در همایش هامبورگ به این امر توجه چندانی نشان ندادند و تنها به اشاره به عوامل سرطان زای انکارناپذیری همچون پنبه نسوز (که به عنوان هایتق در ساختمان ها به کار می رود) و اشعه رادیواکتیو بسنده کردند. با اینکه دست کم پ - اریکسن، کارشناس بهداشت از آمریکا، یادآور شد که از هر سه شهروند آمریکایی یک نفر در محیطی سرطان زا کار می کند. به گفته وی مواد شیمیایی، گازها و گرد و خاک همده ترین آلاینده های محیط کار هستند که می توانند بروز سرطان را سبب شوند. اریکسن همچنین این گمانه را پیش نهاد که میان شرایط کار و هادات و گرایشهای فرد در زندگی شخصی نوعی پیوستگی برقرار است. از همین رو رو آوردن به سیگار در میان کسانی که محیط کاری ناسالم و کاری سخت و سنگینی دارند، امری هادی و معمولی است.

ح. بهداد

بقیه از صفحه ۸

سرطان مری هستند. به گفته "تویز" سرطان شناس فرانسوی، اگر فردی همزمان الکل، دخانیات و خوراک های پر چربی مصرف کند، احتمال دچار شدنش به سرطان مری بسیار بالاست. این واقعیت که در سال های پس از جنگ جهانی دوم به سبب کمبود الکل و دخانیات درصد ابتلا به سرطان مری به گونه ای چشمگیر رو به کاهش نهاد، نشانگر نقش همده این عوامل در بروز بیماری یاد شده است.

الکل به تنهایی هم می تواند سبب سرطان مری شود، از این رو افرادی که سیگاری نیستند، ولی از نوشیدن الکل پرهیز نمی کنند نیز از خطر دچار شدن به سرطان مری در امان نیستند. یک سوم قربانیان سرطان افرادی هستند که به سیگار معتاد بوده اند. به گفته دیگر سرطان شش بیشترین قربانی را می گیرد. با روی آوردن هر چه بیشتر زنان به سیگار سرطان سینه که در میان آنها بیشترین قربانی را می گرفت اینک می رود که جای خود را به سرطان شش بسیار دو در مرتبه دوم قرار گیرد.

نماینده گان "اتحادیه بین المللی در مبارزه با سرطان" (UICC) از کشورهای شوروی، آلمان شرقی، لهستان و مجارستان هجوم ویرانگر انحصارات سیگارهای غربی به بازارهای کشورهای خود را به باد انتقاد گرفتند. به گفته نیکیلا ناپالکف، پژوهشگر سرطان از شوروی، تاپیش از پروسترویکا سیگارهای آمریکایی تنها در بازار سیاه و آنهم با پرداخت دلار در دسترس بودند. اما اینک این سیگارها در بازارهای اتحاد شوروی مثل نقل و نبات یافت می شوند. ناپالکف افزود: "به رغم جیره بندی سیگار و قیمت بالای آن در بازار سیاه اهالی مسکو در فاصله ژانویه تا ژوئن امسال ۲۰ درصد بیشتر از مدت مشابه سال پیش سیگار دود کرده اند. چندی پیش اجالی لنینگر ادبه تظاهرات خشم آکنده بر علیه کمبود سیگار دست زدند." بر پایه داده های ناپالکف بیش از ۵۰ درصد مردان شوروی به سیگار خو گرفته اند و مقصر اصلی هم در این زمینه "پتر کبیر" می باشد. زیرا او بود که سیگار را از غرب به روسیه وارد کرد و به رغم مخالفت اطرافیان و گماردگانش رواج آن را تشویق و ترفیب نمود. کار به جایی کشید که اگر کسی از کشیدن سیگار تن می زد به زندان می افتاد. در کشورهای جهان سوم نیز مصرف سیگار

دما دم افزایش می یابد. به گفته نیگل گرای از "اتحادیه بین المللی مبارزه با سرطان" هم اینک ۵۰ درصد از سیگاری های دنیا در کشورهای جهان سوم به سر می برند و این رقم تا سال ۲۰۰۰ به ۷۰ درصد افزایش خواهد یافت. بر پایه پیش بینی گوتفرد اشمیت، رئیس همایش هامبورگ، اگر آگاهی مردم جهان سوم نسبت به خطرات دخانیات افزایش نیابد و مصرف سیگار مهار نشود، ظرف ۵۰ تا ۱۰۰ سال آینده شمار قربانیان سیگار با شمار کشتگان همه جنگهایی که تاکنون روی داده اند برابری خواهد کرد. دشواری اما آنجا نهفته است که پزشکان حاضر در همایش هامبورگ هیچ روش روشنی برای مبارزه با اعتیاد به سیگار پیش نهادند. در واقع قرض معجزه گری که به کمک آن ترک فوری سیگار ممکن باشد، هنوز کشف نشده است. اما کسی که به جای سیگار از آدمسمای نیکوتین دار و یا اسپری حلق استفاده کند، شش خود را از دچار شدن به سرطان نکه

توضیح

بعلت تراکم مطالب ادامه مقاله "برنامه نوین" و حل مسئله ملی در ایران، در شماره آینده نشریه به چاپ خواهد رسید.

نشان می دهد، بعنوان نمونه مداحی جز لاینفک هنر دوران اشرافیت و زمین داری است حال آنکه در دوران سرمایه داری از مداحی چندان اثری بچشم نمی خورد. بدینست در این جا بدین نکته نیز اشاره کنیم که در کشورهای شرقی مثل ایران، طبقه تجار و سرمایه داران هیچ گاه بدرستی بر طبقه زمینداران چیره نشدند و از این رو، در حال حاضر نیز هنر اشرافی و مداحی سایه بر هنر این کشور هادارد. اصولاً مداحی زیر مجموعه ای از هنر تبلیغی است که در نقطه مقابل هنر تحقیقی قرار دارد. هنر تبلیغی شکل مداحی خود را در جوامع پیشرفته از دست داده و لی در اشکال نوین هنوز بروز می کند. من فکر می کنم که هنر تبلیغی چه در خدمت اشرافیت باشد و چه در خدمت فلان طبقه، هنر پویایی نخواهد بود. چون کاملاً بر هنر مند شناخته شده نیست، سطحی است و آرایش ظاهر است، همق و معنویت ندارد و بطور خلاصه شامل عناصر ساده ای است که کنار هم چیده شده است (چه بسا ما هرانه). بقول لوکاج: "هنر برای تبلیغ بوجود می آید، بدینجاست که از واقعیت فاصله می گیرد، زیرا واقعیت را موافق میل و مصالح تبلیغ خواهان جلوه می دهد".

مقبولتر شد تا در طی سالهای زندگی این سرشناس عالم موسیقی... و از این دست نمونه ها در تاریخ هنر بسیار داریم. تاثیر موسیقی بتوون، در واقع، چیزی جز تصفیه - تاریخا انجام شده - عواطف و احساسات مانود که بعدها با مدرکات ماهمانگ شد و تمام وجود ما را فراگرفت. نکته دیگر در تعریف تولستوی تجربه احساس است. این تجربه لزوماً همین نیست، می تواند ذهنی و ساخته مخیله هنرمند و محصول انباشت فکری وی باشد. در این صورت "آرمان" هنرمند مطرح است و ارائه این آرمان. در این صورت می توان تعریف زیر از هنر را ارائه داد:

"هنر بیان تجسمی هر آرمانی است که هنرمند توانسته باشد آن را در صورت تجسمی تحقق بخشد." اما بیان این آرمان یا "حقیقت" طوری باشد که احساسات ما را برانگیزاند و ایجاد تفاهم بکند. البته نباید مفهوم ادراک آگاهانه را با تفاهم و هماهنگی احساسات را با مدرکات مخلوط کرد چرا که در این صورت هر شکلی از بیان حقیقت یا آرمان بحساب خواهد آمد! در همین راستاست که ویلینسکی به خطا هنر را به دو بخش تقسیم می کند می گوید: "ما با دو مفهوم کاملاً متفاوت از هنر سروکار داریم، هنری که برای خدمت به دیانت بوجود می آید و هنری که بعنوان یک اندیشه آگاهانه دنبال می شود".

حال آنکه جاذبه هنر همدهتا متوجه درک آگاهانه نیست بلکه محصول شعور و درک مستقیم است، اثر آن در حس است، اثر هنری بیان مستقیم حقیقت نیست بلکه کنایه ای از حقیقت است، و پیش از حضور تمام عبار ماکار خود را می کند.

نکته دیگر در عدم اختلاط ماخیم احساساتگیری و هنر است. اثر هنری را ساختن شخصیت انسان است. ما اثر هنری را مورد تعمیق قرار داده و احساس رهایی می کنیم، احساس سمپاتی (که خود نوعی رهایی احساس است) می کنیم، احساس شدت و تعالی به دست می دهد. فرق اساسی نیز در اینجاست. احساساتگیری رهایی احساس همراه با ضعف ویا وارفتن عواطف است در حالیکه هنر رهایی احساس همراه با قوت و استواری است.

در یک اثر هنری باید به دیدار هنصر پنهان نیز رفت. یک سر اثر هنری به "حقیقت هنرمند" یا "شخصیت هنرمند" متصل است. در یک اثر هنری کامل همه عناصر بهم مربوطند و حدتی بیش از حاصل جمع ساده عناصر را پدید می آورند. "ویسلر" نقاش معروف، این نکته را بخوبی بیان کرده است. او می گفت که در نگاهش را با مغزش مخلوط می کند. وقتی که عناصر یک اثر هنری را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم، باید هنصر فرار و غیر ملموس یعنی شخصیت و فردیت هنرمند را نیز بحساب بیاوریم. شخصیت هنرمند میانجی واقعیت و اثر هنری است. عوامل بسیاری از جمله خصوصیات فیزیکی، موقعیت ها، سن، اوضاع و آگاهی اجتماعی هنرمند، همه و همه در شخصیت هنرمند موثرند که از همه بیشتر پایگاه اجتماعی و بینش اجتماعی هنرمند مهم واقع می شوند.

اگر بخواهیم به بحث حول بینش بپردازیم، رکن اصلی بینش یعنی "شناخت" را باید بشکافیم. اینکه شناخت چیست، چگونه از محیط تاثیر می پذیرد و محیط را متاثر می کند و قیریه بیشتر بحث فلسفی است. تنها در اینجا بدین اکتفا می کنیم که مهمترین همکرده شناخت، پیش بینی است. نه تنها هنرمندان بلکه تمامی نظر مندان پدیده های هستی را از طریق و واقعیت های پیرامون مورد مطالعه قرار می دهند و به آفرینش آینده از بطن حال می پردازند. بنابراین نظر مند و بینش ور، مقتضیات آینده را پیش از مقتضیات حال مورد توجه قرار می دهد. بطور خلاصه انگیزه های همده حرکات آنان در واقعیت آینده قرار دارند.

جامعه شناسی هنرمندان نشان می دهد که بیشتر هنرمندان از طبقه متوسط جامعه برخاسته اند ولی بعلت اشتغال به کار فکری خود راز دیگر اقبال متوسط دور می بینند و از سوی دیگر بعلت بینش اجتماعی خود سنت شکن می گردند. "طبقه گریزی" هنرمندان و روشنفکران کشاکشی است که بیشتر حیات هنرمند را بخود اختصاص می دهد. در نتیجه هنرمند بینش ور ما باید به خواص بیبوند و پایه هوام. خواص به او "قدرت" و "مدایت، ضروری و اشتها" می دهد و هوام "کوشش، امیدواری، و نوآوری"، هنرمندانی که نه در این سو و نه در آن سو قرار می گیرند، معمولاً گرفتار خیالپردازی، توهم، خودبینی و پوچ گرایی می شوند و این را در آثار هنری خود به نمایش می گذارند.

مختصات تعلق هنرمندان به "خواص" یا "هوام" با مقتضیات طبقه مربوطه و نیز زمانه تغییر می یابد. این شکل تعلق خود را باز در آثار هنری

بقیه از صفحه ۵

تزیینی یا جمال پرستی که متضمن هیچ گونه اهمیت حیاتی نیست، چگونه می تواند فریزه باشد؟ از طرفی اگر چنین فریزه های وجود داشت آیا انسان نخستین در گوشه های قار پیکر تراشی می کرد و اگر "تزیین" مد نظرش بود، آیا آثار هنری را از محل زندگی خود دور نگاه می داشت و آنها را روی هم می کشید (اشاره به حکاکای ما و نقاشی های روی هم انسان های نخستین).

(۴) "بالاخره برخی از هنر شناسان پیشین بر این اعتقاد بودند که: "انسان هنر را برای ممتاز کردن خویش و جلب ارادت و احترام دیگران ابداع کرده است".

همانطور که در بخش قبلی اشاره شد، انسان ابتدایی چنان گرفتار بود که محتاج چنین امتیاز طلبی نبود. بعلاوه امتیازات اجتماعی و امتیاز طلبی هنگامی ظهور کرد که انسان از صورت ابتدایی درآمد و تا اندازه ای بر طبیعت مسلط شد. پس هنر را نمی توان امتیاز طلبی اجتماعی به شمار آورد و باید آن را از عوامل اصلی حیات اجتماعی محسوب داشت.

پس به طور کلی می توان گفت که فرایز یا فطرت یا عوامل بیولوژیک از همده تعیین هنر بر نمی آیند و لزوماً باید هنر را امری اجتماعی بدانیم و معتقد شویم که عامل اصلی مبین هنر در روابطی است که در دنیای خارج میان افراد بشر برقرار می شود.

حال اگر به تعریف هنر برگردیم، تعریف ما از هنر باید در برگیرنده اشارات فوق باشد. اینجا نکته ای را که لازم می بینم بدان اشاره کنم: تعریف هنر ضرورتاً و بلاواسطه به تبیین رسالت هنرمند منجر نمی شود، لکن هدف هنر و اشاعه آن در سطح جامعه را می توان با دقت از آن نتیجه گرفت. تولستوی در تعریف خود از فعالیت هنری چنین می گوید:

"بیدار کردن در ضمیر خویشتن احساسی را که انسان تجربه کرده است، و پس از بیدار کردن، نقل آن بواسطه حرکت یا خط یا رنگ یا صدا یا اشکالی که بوسیله کلام بیان می شوند به طوری که دیگران هم آن احساس را تجربه کنند. این است فعالیت هنری".

او در سطور بعدی اشاره می کند که: "هنر فعالیت است انسانی شامل اینکه یک فرد به بطور آگاهانه و بوسیله بعضی نشانه های خارجی احساساتی را که در زندگی داشته است به دیگران منتقل کند، چنانکه دیگران نیز از آن احساس متاثر شوند و آنها را تجربه کنند".

"وردزورث" شاعر انگلیسی نیز کمابیش مانند تولستوی معتقد است که بیان شعری باید متکی بر "زبان هادی مردم" باشد.

در مقابل این نظر، نظریه هایی نظیر نظر "ماتیس" وجود دارند، در سال ۱۹۰۸ ماتیس در "یادداشت های یک نقاش" که در مجله ای فرانسوی منتشر شد گفت: "نکته این است که توجه بیننده را چنان هدایت کنیم که بیننده در تابلو دقتین شود، اما به همه چیز فکر کند مگر به آن شیئی خاص که ما خواسته ایم بکشیم، باید او را با داریم بی آنکه ناراحتش کنیم، باید او را هدایت کنیم که کیفیت احساسی را که بیان شده است، تجربه کند... در شگفت کردن بیننده خطرناک است، برای بیننده لازم نیست که تجزیه و تحلیل کند زیرا که این به معنی متوقف کردن توجه او خواهد بود نه رها ساختن آن... در شرایط مطلوب، بیننده بی آنکه خود بداند به خودش اجازه می دهد که گرفتار حیلته تابلو نشود. باید مواظب بود که از جانب او حرکت شگفت زدی سرتزند، ولو اینکه خودش متوجه نباشد، باید حتی الامکان صنعت را پنهان کرد". تمام این جملات را نقل کردم تا به دیدگاه ماتیس پی ببریم و اختلاف همده نظر وی با نظر تولستوی را ببینیم. به نظر من اختلاف همده میان دو نظر در همه فهم بودن اثر هنری است یا به عبارتی در انتقال.

تولستوی روی انتقال فی البداهه اصرار می ورزد و ماتیس نیز عدم انتقال فی البداهه را مطلق می کند. حال آنکه "زده این است و نه آن" اصرار تولستوی، اصرار واحدی بی جاست. اگر هنری را که وسیعاً و سریعاً منتقل نشود را هنر ندانیم آنگاه باید دانته، شکسپیر و بتوون را بدرود گفت! برعکس اگر فکر کنیم که صنعت هنری حتماً باید پنهان باشد، دیگر تولستوی و هزاران هنرمند ساده نویس مردمی صاحب هنر نیستند و در گنجینه هنر فولکلوریک را باید تخته کرد! بجز حال، تعریف تولستوی از هنر هر گاه کامل می شد که بقول رید "ایجاد تفاهم" در کنار "بیان احساس" می آمد. در این صورت "فی البداهه بودن انتقال" قدری تامل می طلبد. نکته نیز همین جاست. هنر مسئولیت پالایش عواطف ما را نیز برعهده دارد. موسیقی بتوون سالها بعد بود که

بیش از یک میلیارد انسان کمتر از ۳۷۰ دلار در سال درآمد دارند

گزارش سالانه بانک جهانی درباره توسعه کاهخیزا درواشنگتن انتشار یافت حاکی است بیش از یک میلیارد انسان ، یعنی در حدود یک سوم جمعیت کشورهای رشد یافته ، در حال حاضر در فقر مطلق زندگی می کنند. حد تعیین شده برای تعریف "فقر مطلق" از سوی بانک جهانی ، در آمد سرانه ۳۷۰ دلار در سال است. عوالب فقر مطلق در هر صه های مختلف رخ می نماید: سوتغذیه ، کمبود پوشاک و بی مسکنی، انتظار عمر پایین و در صد بالای مرگ و میر کودکان. هر سال در کشورهای جهان سوم ۱۵ میلیون کودک زیر ۵ سال از بیماریهای جان می سپارند که در کشورهای صنعتی معمولاً قابل درمان است. هم اکنون ۱۱۰ میلیون کودک در سراسر جهان از رفتن به مدرسه محرومند.

علیرقم تفاوت های چشمگیر میان کشورهای مختلف جهان سوم ، گزارش بانک جهانی به وجود اشتراک معینی در پدیده فقر در این کشورها اشاره می کند. عمدتاً ساکنان روستاها هستند که به علت نداشتن زمین دچار فقرند. در همین حال فقر در شهرها به ویژه در شهرهای آمریکای لاتین ، به وضوح رو به گسترش است. زنان با

طرح پنج عضو دائمی شورای امنیت برای کامبوج

طرح ، سازمان ملل بر اجرای آتش بس و خلع سلاح گروههای مسلح نظارت کرده ، به امر سازماندهی انتخابات یاری رسانده و تضمین خواهد کرد که کلیه نیروهای ویتنامی از کامبوج خارج شده باشند و کامبوج بی طرفی خود را حفظ کند. در مرحله بعد، سازمان ملل همواره اداره وزارت دفاع، وزارت خارجه، وزارت دارایی، وزارت امنیت عمومی و وزارت اطلاعات کامبوج خواهد شد. اجرای این بخش از طرح تابع این امر خواهد بود که تا چه حد کار شورای عالی ملی کامبوج بدون اشکال پیش رود. چهار طرف درگیر در جنگ داخلی در شورای مزبور نمایندگانی خواهند داشت اما شمار نمایندگانی آنها یکسان نخواهد بود. شوراسما بر کامبوج

پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از هشت ماه مذاکره ، بر سر یک طرح صلح برای کامبوج توافق کردند. منابع سازمان ملل این توافق را نقطه عطفی در تلاش برای برقراری صلح در کامبوج دانستند. اما نمایندگان آمریکا، شوروی، چین، فرانسه و انگلیس، اعضای دائمی شورای امنیت ، تاکید کردند آنچه تاکنون مورد توافق قرار گرفته، هنوز یک چارچوب کلی است. طرفداران سیهانوک از توافق اعضای دائمی شورای امنیت استقبال کردند. طرح مورد توافق ، بر اساس پنج سند تنظیم شده است و پیش بینی می کند که تا انجام انتخابات آزاد، یک شورای عالی ملی مرکب از چهار طرف درگیر در جنگ داخلی تشکیل شود. طبق این

مبلغی تا دهها میلیون دلار بالغ خواهد شد. گویی در این جهان ، آلهایی که ثروت بیکانشان را باهر شیوه ای که ممکن است افزون می کنند، همه چیز نان و آب دارد، حتی زندان!



نمایندگان نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آئینه آمار

در صفحه ۶

وقتی زندان هم نان و آب دارد

اسم همدان محمد قاشقچی راحتاً شنیده اید. جانوری است که میلیاردها دلار ثروت دارد و در جریان ایران گیت هم نامش سر زبانها افتاد. همه کاره است: قاچاقچی اسلحه، متقلب مالیاتی، پیشکار دیکتاتورها و دلال معاملات پنهانی. شهروند عربستان سعودی است اما اکثر اوقات خود را در ویلاها و هتل های گران قیمت اروپا و آمریکا می گذراند.

این آقا را روز ۱۸ آوریل سال ۱۹۸۹ در هتلی در برن پایتخت سوئیس دستگیر کردند. مقامات دادگستری آمریکا تقاضای بازداشت او را کرده بودند زیرا قاشقچی متهم بود که به مارکوس دیکتاتور سابق فیلیپین در پنجان کردن دو بیست میلیون دلار به صورت سرمایه گذاری در ساختمانهای تجاری نیویورک کمک کرده است. روز دوم ژوئیه امسال ، قاشقچی و ایملدا مارکوس بیوه حاکم سابق فیلیپین به حکم دادگاهی در نیویورک از اتمام حیف و میل اموال دولت فیلیپین تبرئه شدند. اکنون ذهن مقامات سوئیس را این سؤال به خود مشغول کرده است که آیا قاشقچی بابت دستگیری خود، ادعای خسارت خواهد کرد یا نه. بهانه وکلای قاشقچی برای طرح احتمالی ادعای خسارت، چاپ هکس های قاشقچی پس از دستگیری و با شماره های مخصوص بازداشتیها در روزنامه های سوئیس است. می گویند ادعای خسارت قاشقچی به

توضیح

بزرگ شدن قطع نشریه اکثریت ، افزایش متوسط تعداد صفحات آن و افزایش هزینه های پستی، هزینه تمام شده برای هر شماره نشریه را افزایش داده است. از شماره ۳۱۵ بجای هر شماره اکثریت معادل نیم مارک آلمان ندرال افزایش یافته است. بنابراین تک شماره نشریه اکثریت معادل ۲ مارک به فروش می رسد. در زیر فرم آبونمان بر اساس قیمت های جدید بچاپ رسیده است. بدیهی است افزایش قیمت شامل مشترکین قبلی نشریه نشده و نشریات در خواستی تا پایان مهلت آبونمان برایشان ارسال خواهد شد.

باند پول پوت بیش از سه میلیون خمر را گشت آن ها تنها در مدرسه پلیس مخفی پول پوت، آنجا رابه زندانی تبدیل کرده بود که مردم کامبوج به آن عنوان "کارخانه مرگ" داده بودند. هنگامی که باند پول پوت ینگ ساری در کامبوج به قدرت رسید، دورتادور مدرسه با سیم های خاردار محصور شد و ساختمان آن به سلول های انفرادی تقسیم گردید. مسئولین همچنین تجهیزاتی از قبیل دستبند و زنجیر و چون اینان در آن مستقر نمودند.

"تول سلنگ" نام مدرسه ای است در بخش جنوبی پنوم پن. پلیس مخفی پول پوت، آنجا رابه زندانی تبدیل کرده بود که مردم کامبوج به آن عنوان "کارخانه مرگ" داده بودند. هنگامی که باند پول پوت ینگ ساری در کامبوج به قدرت رسید، دورتادور مدرسه با سیم های خاردار محصور شد و ساختمان آن به سلول های انفرادی تقسیم گردید. مسئولین همچنین تجهیزاتی از قبیل دستبند و زنجیر و چون اینان در آن مستقر نمودند.

کنگره جهانی سرطان در هامبورگ

یک سوم قربانیان سرطان را سیگاری ها تشکیل می دهند

کرد ، این دارو از پوست تنه درختی به نام "تاکسوس باکاتا" بدست می آید و در مبارزه با برخی از سرطان ها تأثیری شفا بخش دارد. اما یک سرطان شناس سوئدی در باره استفاده از مواد و گیاهان طبیعی نظر دیگری داشت. وی بر آن بود که چنین شیوه هایی به لحاظ علمی اثبات نشده اند و ۱/۷ میلیون دلاری که سالانه در اروپا هزینه این گونه شیوه های درمانی می شود معمولاً سودی به بار نمی آورد. شیوه های دراز مدت درمانی به کمک مواد طبیعی و فرآورده های گیاهی تنها پس از آنکه بیمار جراحی شده یا زیر اشعه قرار گرفته و یا با مواد شیمیایی chemotherapy تحت درمان قرار گرفته باشد، به کاهش درد کمک می کنند. از این رو چنین موادی باید به عنوان آرامش بخش به کار روند و نه به جای داروی شفا بخش.

از هر چهار مرگ و میری که روی می دهد، یکی از آنها ناشی از ابتلای فرد به سرطان است. از همین رو سرطان هنوز هم خطرناکترین دشمن جان انسان به شمار می رود. همین امر سبب شده است که جامعه پزشکی جهان برای چاره جویی و تبادل نظر در زمینه مبارزه با سرطان همایشها و گردهمایی های منظم و بسامانی داشته باشد. در ماه اوت امسال نیز ۱۰۰۰۰ پزشک و دانشمند از سراسر جهان و از جمله از ایران در هامبورگ گرد آمدند تا هیافت ها و دستاوردهای خویش در مبارزه با سرطان را رد و بدل نمایند. در این همایش ۲۰۰۰ نوشتار پژوهشی و ۳۰۰۰ مورد نمایش هکس و اسلاید مورد بررسی و گفتگو قرار گرفتند. آنچه که در پی می آید برگردان گزارش نشردهای است در زمینه برخی پژوهشها و پیشرفت های مطرح شده در این همایش.

آنچه که در این گردهم آیی تازگی داشت توجه بیشتر به روش های درمانی سرطان بود. ساموئل برادر، سرپرست بزرگترین انجمن مبارزه با سرطان در آمریکا خواستار آن شد که در مبارزه با سرطان به مواد و گیاهان طبیعی اهمیت بیشتری داده شود و برای نمونه بهره گیری از "تاکسول" را پیشنهاد

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك ، تمربستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
<input type="checkbox"/> شش ماهه	۱۱ مارک	۱۳ مارک
<input type="checkbox"/> یک ساله	۲۱	۲۴

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
<input type="checkbox"/> سه ماهه	۳۲ مارک	۳۹ مارک
<input type="checkbox"/> شش ماهه	۶۲	۷۶
<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۲۰	۱۵۰

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

<p>اکثریت</p> <p>نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور</p>	<p>حساب بانکی</p> <p>M.ABD</p> <p>NR- 35263011</p> <p>37050198</p> <p>Stadtsparkasse Köln</p> <p>W. GERMANY</p>
<p>AKSARIYAT</p> <p>NO. 317</p> <p>MONDAY 3.Sep.1990</p>	<p>آدرس:</p> <p>RUZDEH</p> <p>POSTFACH 1810</p> <p>5100AACHEN</p> <p>W.GERMANY</p>